

چکیده

با توجه به توسعه کمی دانشگاه ها در سال های اخیر و عدم توجه کافی به کیفیت و استانداردهای آموزشی، هم اکنون افت تحصیلی در دانشگاهها به عنوان یک معضل اساسی مطرح است و پیش بینی می گردد در آینده نیز این معضل تشدید گردد. هر ساله بخشی از منابع و استعدادهای بالقوه انسانی و اقتصادی جامعه در دانشگاهها با عناوین اخراج، ترک تحصیل و انصراف، مردودی در دروس و مشروطی ضایع می گردد و علاوه بر آن آثار و پیامدهای ناگواری نیز در حیات فردی، خانوادگی افراد بر جای می گذارد و نابسامانی های اجتماعی فراوانی را نیز بوجود می آورد.

در این مقاله فقط تأثیر عوامل آموزشی بر افت تحصیل مورد بررسی قرار می گیرد. جامعه آماری این تحقیق کل دانشجویان دانشگاه یزد هستند که در سال تحصیلی ۷۷، ۵۵۰۰ نفر بوده اند. تعداد ۳۲۰ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه به روش تصادفی ساده برگزیده شده اند و اطلاعات جمع آوری شده با کمک نرم افزار SPSS در قالب جداول فراوانی، نمودارها و آزمونهای آماری توصیف و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

حق تعلیم و تربیت یکی از مهمترین حقوق اساسی هر انسانی است و فراهم آوردن امکانات آموزش و پرورش همگانی برای شکوفایی ابعاد معنوی و مادی انسانها و تأمین حقوق همه انسانهای یک جامعه ضروری است. علاوه بر این با امکانات آموزش و پرورش عمومی و مطلوب می توان منابع انسانی جامعه را توسعه و تکامل بخشید، سلامت و بهداشت افراد جامعه را تأمین نموده، فرهنگ جامعه را غنی ساخت، ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی را فراهم آورد و نیروی انسانی مورد نیاز رشد اقتصادی را پرورش داد. اما نظام آموزشی نیز مانند هر نهاد دیگری می تواند به علت کمبودها و کاستی ها و یا عوامل دیگری دچار سوء کار کرد شود بطوریکه نتواند بخشی از اهداف خود را به درستی به انجام رساند و سرمایه و مواد اولیه ای را که در اختیار آن قرار داده شده، تلف نماید و نتیجه مطلوب و مورد انتظار را به بار نیاورد. در این صورت است که می توانیم اصطلاح افت تحصیلی را به کار ببریم. هم اکنون افت تحصیلی در دانشگاه ها و مراکز آموزشی به صورت کمی و کیفی وجود دارد. صورت کیفی افت تحصیلی به یادگیری ناقص و ضعف علمی و بینشی دانش آموخته نظام آموزشی اشاره دارد که قادر نیست انتظارات جامعه و سازمان های اجتماعی را از خود به عنوان یک فرد تحصیل کرده برآورده سازد. صورت کمی افت تحصیلی به صورتهای اخراج، ترک تحصیلی و انصراف و مشروطی جلوه گر می شود که این امر آثار و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای فرد و نظام آموزشی و جامعه دارد. این پژوهش با طرح این سوالات که چرا با وجود علاقه زیاد به تحصیل، بعضی از دانشجویان پس از ورود به دانشگاه از تحصیل منصرف و یا اخراج می شوند؟ چار بعضی دیگر به نتایج مطلوب نمی رسند و مشروط می گردند؟ و با هدف بررسی خصوصیات اقتصادی- اجتماعی افراد دارای افت تحصیلی و

بر افت تحصیلی برای جلوگیری یا کاهش افت تحصیلی انجام شده است. در این مقاله سعی می شود تا درباره تأثیر عوامل آموزشی شامل پایه تحصیلی فرد، معدل دیپلم، سابقه تجدیدی و مردودی در دبیرستان، سهمیه کنکور، محل اخذ دیپلم (شهر یا روستا) و ارزیابی دانشجو از سطح امکانات آموزشی داوطلبانه دارند تا اخراج از تحصیل، ثابت شده که در بسیاری از دانشجویان، عملکرد کلاسی مهمترین عامل پیش بینی ماندن در دانشگاه است. همچنین تحقیقات زیادی بر این نکته تاکید دارند که افت تحصیلی ارتباطی بسیار قوی و نزدیک با ویژگیهای خانوادگی دانش آموز دارد. به عبارت کلی تر وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده رابطه معکوسی با افت تحصیلی دارد.

دانش آموزانی که در خانواده هایی زندگی می کنند که از سطوح پایین وضعیت اجتماعی - اقتصادی برخوردارند، نسبت به دانش آموزانی که متعلق به خانواده هایی با وضعیت اجتماعی و اقتصادی بالا هستند، افت تحصیلی بیشتری را نشان می دهند، حتی زمانی که عامل هوش نیز کنترل شده باشد. (سول و شان، ۱۹۶۷: ۲۳-۱ و ۴۰)

علاوه بر آن، نوع موسسه تقریباً با کیفیت آن همبستگی دارد، عجیب نیست که کیفیت موسسه نیز بر حضور و باقی ماندن دانش آموزان در آموزشگاه تاثیر داشته باشد. در تحقیقی برای ایالت (ویسکانسین) دریافتند که موسسات با کیفیت بالاتر، نسبت به موسسات با کیفیت پایینتر، فارغ التحصیل بیشتری دارند. آنها با تمرکز بر اجرای ویژه کیفیت دانشکده دریافتند که موسساتی با درآمد سرانه بیشتر برای هر دانش آموز، دارای دانش آموزان با پیشرفت بیشتری هستند. از آنجا که عملکرد و افت تحصیلی

مربوطند. با وجود این مساله کیفیت موسسه پیچیده تر از آن است که از مقایسه های ساده بین موسسات با کیفیت متفاوت انتظار میرود. مقایسه های ساده گرایش به سرپوش گذاشتن بر این واقعیت دارند که تعاملی مهم بین کیفیت موسسه، ترکیب دانش آموزان و عملکرد فردی و بنابراین پایداری در موسسه وجود دارد.

همچنین عدم توجه به نیازها و استعداد های افراد و تفاوت های فردی آنان، در این زمینه و عدم استفاده از روش های مطلوب تدریس و یادگیری، علاقه و انگیزه آنان را برای آموختن از بین می برد و این عدم علاقه بازتاب نا مطلوبی بر نتایج کار دارد و میزان افت تحصیلی را افزایش می دهد. این بی علاقگی در میان تعداد زیادی از دانش آموزان مشاهده می شود که اثر نامساعدی بر پیشرفت تحصیلی آنان بر جای می گذارد. اما این نتیجه نامطلوب برای دانش آموزان محرومی که زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نامساعد به مدرسه می آیند، به مراتب زیاده تر است. (امین فر، ۱۳۶۷:۱۴)

امروزه در دانشگاه ها به جای استفاده از تمام استعدادها و هدایت توانایی های بالقوه دانشجویان برای تحقیق و تفحص، جستجو، مشاهده، تجربه و آزمایش، تجزیه و تحلیل امور و قضاوت و داوری درباره پدیده ها و یا تعبیر و تفسیر آنها که می تواند تمام استعداد های دانشجویان را پرورش دهد، تنها به روش حفظی و بیان لفظی مطالب اکتفا می شود. در این زمینه ((پیاژه)) دانشمند معروف سوئیسی می گوید:

استفاده منحصر به فردی که آموزش و پرورش مرسوم قدیمی از نطق و زبان می نماید تا دانش آموز را تحت تأثیر قرار دهد، متضمن این معنی است که کودک مفاهیم ذهنی خود را عیناً مانند ما بزرگسالان می سازد و بدین ترتیب، مفاهیم ذهن معلم و شاگرد یک به یک متناظر است. همین واقعیت غم انگیز در

بدین معنی واقعی قلاب شده است، به قدر کافی نشان دهنده دشواری روش فوق و مبین یکی از دلایل اصلی واکنش «مدارس فعال» در برابر «مدارس مرسوم قدیمی» که بر «آموزش فعل پذیر» تکیه دارند، است. درک این واکنش و اعتراض آسان است. زیرا مفاهیم خاص بزرگسالان که در زبان روشن فکرانه به صورت علائم اختصاری درآمده و از سوی اهل نطق و خطابه و بحث بکار می رود، در حکم ابرازهایی هستند در خدمت ذهن که اساساً برای تنظیم اطلاعات به دست آمده و در تسهیل مبادله و انتقال افکار میان افراد (بزرگسالان) سودمند است و حال آنکه در نزد کودک، هوش عملی بر هوش شناختی تفوق و جستجو بر دانش ساخته و پرداخته تقدم دارد. (پیاژه، ۱۳۶۰: ۱۳۴)

عدم تغییر اساسی در روش های تدریس و یادگیری، مخصوصاً در کشورهای جهان سوم وابسته به کمبود امکانات آموزشی از قبیل: مواد آموزشی، وسایل آزمایشگاهی و کارگاهی، کتابخانه ها و تأسیسات و تجهیزات دیگر نیز هست که به این مجموعه باید فقدان یا کمبود معلمان و نیروهای انسانی شایسته و کارآمد را نیز افزود که یکی از عوامل اصلی افت تحصیلی است.

افت تحصیلی

مسأله افت تحصیلی در آموزش و پرورش، یکی از مهمترین مسائل نظام آموزشی، در اغلب کشورهای جهان می باشد.

منابعی که از این راه تلف می شود خواه بصورت عمر انسان ها یا به صورت منابع مادی، هر ساله رقم قابل توجهی را تشکیل می دهد بطوریکه بهبود کارایی نظام های آموزشی تا اندازه زیادی، موکول به کاهش افت تحصیلی است.

پدیده، به صورت مردودی و ترک تحصیل، مقدار و تعداد زیادی از منابع و استعداد های بالقوه انسانی و مالی جامعه را تلف می کند و آثار ناگواری در زندگی فردی و اجتماعی افراد، برجای می گذارد، بدین لحاظ ضرورت دارد که، در برنامه ریزی آموزشی به این مسأله توجه مبذول گردد و راه های مقابله یا کاهش آن، مرود بررسی قرار گیرد.

معنا و مفهوم افت تحصیلی

کاربرد اصلاح افت یا اتلاف در آموزش و پرورش، از اقتصاد گرفته شده و آموزش و پرورش را، به صنعتی تشبیه می کند که بخشی از سرمایه و مواد اولیه ای را که باید به محصول نهایی تبدیل شود، تلف می کند و نتیجه مطلوب و مورد انتظار را، به بار نمی آورد، اگر از نقطه نظر منابع و مخارجی که جامعه در اختیار نهاد تعلیم و تربیت قرار می دهد، به آموزش و پرورش نگریسته شود، بدون شک آموزش و پرورش، یکی از بزرگترین نهادهای اقتصادی جهان است.

لذا می توان اصطلاح «افت» یا «اتلاف» را در مورد آن بکار برد و به سؤالی که بیانگر انواع افت است، پاسخ داد، این سؤال عبارتست از اینکه چه چیزی تلف شده است؟!

گروهی به سوال فوق چنین پاسخ می دهند: پرورش و یادگیری انسانها، تأسیسات ساختمانی و تجهیزات مدارس و مؤسسات آموزشی، ارزش کار معلمان و وقتدانش آموزان.

گروهی دیگر اتلاف های ناشی از افت تحصیلی را چنین ذکر می کنند:

الف) اتلاف هزینه های جاری اداره مؤسسات توسط دولت.

ب) اتلاف سرمایه گذاری ثابت، برای احداث و تجهیز فضاهای آموزشی.

د) اتلاف ناشی از سرماخوردگی و از دست رفتن روحیه و احساس حقارت و مانند آنها، جملگی مانع شکوفایی کامل استعدادها و توانایی های فرد شکست خورده در تحصیل است. ز) اتلاف ناشی از هزینه های تحمیل شده به دولت و خانواده ها، به علت بروز انحرافات ناشی از سرماخوردگی، افسردگی و طغیان نوجوانان شکست خورده.

و) اتلاف هزینه های حمل و نقل و ارتباطات، برای رفت و آمد دانش آموزان مدرسه.

افت تحصیلی به طور اعم شامل سه مفهوم: تکرار پایه تحصیلی، ترک تحصیل زودرس و کاهش کیفیت تحصیلی دانش آموز است. بطور اخص افت تحصیلی شامل تکرار پایه تحصیلی و کاهش کیفیت تحصیلی دانش آموزان است.

افت تحصیلی را می توان چنین تعریف کرد. کودکی در مدرسه ای ثبت نام می کند اما در فرایند تعلیم و تربیت در یک سطح و پایه تحصیلی با شکست مواجه می شود، تکرار کننده پایه تحصیلی کودک یا نوجوانی است که پایه تحصیلی را مجدداً تکرار می کند. کاهش کیفیت تحصیلی به این معناست که وضعیت تحصیلی یک دانش آموز در سطح مطلوب یا معمول نیست و بالاخره ترک تحصیل عبارتست از اینکه مثلاً دانش آموزی، قبلاً در فرایند تعلیم و تربیت نقش داشته و تحت تعلیم قرار گرفته است اما به دلایلی تصمیم می گیرد، برای مدتی یا برای همیشه، در فرایند آموزش و پرورش مشارکت نداشته باشد البته تصمیم به ترک تحصیل ممکن است از جانب خود دانش آموز یا والدین یا افراد دیگری باشد که عموماً خود فرد یا والدین او، باعث می شوند که فرد تحصیلاتش را ادامه ندهد.

افت کیفی.

افت کمی شامل نسبت دانش آموزان مردود شده و ترک تحصیل کنندگان یک دوره آموزش به کل ثبت نام شدگان آن دوره است. افت کیفی ناتوانی برنامه ها و روش های آموزش در تحقیق کامل هدفهای پیش بینی شده برای پرورش استعدادها و تواناییها و مهارتها و خلاقیت ها. علایق و پرورش جنبه های اخلاقی و معنوی دانش آموزان صرف نظر از پذیرفته شدگان آنان در امتحانات رسمی است.

افت کیفی هر دوره در دوره های بالاتر تحصیلی به افت کمی منجر می شودس دانش آموزانی که دوره ابتدایی را به پایان می رسانند اما توانایی و مهارتهای لازم را به گونه ای که در هدفهای این دوره پیش بینی شده، به خوبی کسب نمی کنند در دوره راهنمایی تحصیلی احتمالاً به گروه دانش آموزان مردودی می پیوندند و ملاحظه می شود که کاهش افت کمی بدون بالا بردن سطح کیفی آموزش و پرورش است.

گروهی دیگر انواع افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش و پرورش را بصورت ذیل طبقه بندی می کنند.

الف) افت بر اثر قصور نظام اجتماعی، در فراهم آوردن آموزش و پرورش همگانی: از آنجا که تعلیم و تربیت وظیفه شکوفایی استعدادهای انسان را بر عهده دارد و تحقق انسانیت در گروه تعلیم و تربیت می باشد بدین لحاظ جامعه و کشوری که در فراهم آوردن آموزش و پرورش همگانی قصور داشته باشد

عامل اتلاف شده است.

ب) افت بر اثر قصور نظام آموزشی در آوردن کودکان، نوجوانان و جوانان، به داخل نظام آموزشی این نوع افت هنگامی رخ می دهد که امکانات تحصیلی به نوعی برای افراد فراهم گردیده است، اما به علل مختلف از جمله نگرش خانواده نسبت به تحصیل کودکان و جوانان خود مثلاً به لحاظ جنسیت آنان یا نیازی که خانواده به کار فرزندان خود دارد و یا به علل دیگر از فرستادن فرزندان به مؤسسات آموزشی خودداری می شود.

ج) افت بر اثر قصور نظام آموزشی در نگهداری افراد در داخل نظام آموزشی، توانایی نگهداری دانش آموزان در نظام آموزشی به عوامل خارجی و داخلی نظام آموزش و پرورش بستگی دارد.

یعنی شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه ممکن است طوری باشد که مدرسه نتواند چنانکه در نظر دارد تا حد لازم افراد را رد مدرسه نگهدارد، لذا تعدادی از آنها مدرسه را ترک می کنند.

د) افت بر اثر قصور نظام آموزشی در ایجاد در ایجاد هدفها و برنامه های متناسب آموزشی: در این نوع افت، افراد به مؤسسات آموزشی آمده و تحصیلات خود را ادامه داده و از مرحله یا دوره ای از آموزش و پرورش، فارغ التحصیل می شوند، به علت نامناسب بودن هدفها و برنامه های این مؤسسات قابلیت و مهارتهای لازم را کسب نمی کنند، لذا تحصیلات آنها نوعی افت محسوب می شود.

ه) افت بر اثر قصور نظام آموزشی در دستیابی به هدفها و برنامه های مؤثر آموزشی: این نوع افت از کارایی نامناسب نظام آموزشی در دستیابی به هدفها و برنامه های خود حاصل می شود این نوع افت را می توان بر حسب کاهش محصول نظام آموزشی در هر پایه تحصیلی از آنچه که نظام آموزشی در نظر

تحصیلی و یا امتحانی است که در پایان سال به عمل می آید. این عدم موفقیت یا به مردودی و تکرار پایه تحصیلی و یا به ترک تحصیل منجر می شود.

با توجه به مطالب فوق می تون اینگونه نتیجه گرفت که در آموزش و پرورش، انواع متعدد افت (ضایعه) وجود دارد.

اما آنچه در تمام این انواع مشترک است و تحت یک عنوان کلی می تواند مطرح باشد، عدم توفیق در تحقق هدفها و مقاصد تربیتی است بعبارت دیگر هرگونه عاملی که بازده کار مدرسه و خانواده و یا اجتماع را از لحاظ نیل به مقاصد تربیتی کاهش دهد نوعی اتلاف و ضایعه است بنابراین هر نوع نارسایی در هریک از ابعاد کار تربیت ممکن است منشاء اتلاف و ضایعه باشد. وضعف و کمبود در برنامه ها و روش ها با خط مشی های اجرایی، عدم شایستگی و آزمودگی کاردر آموزشی، کمبود وسایل و نارسایی در محیط کار، عدم همکاری در مدرسه و خانواده، مبانی مهم اتلاف بشمار می آیند.

به علاوه شرایط اجتماعی و اقتصادی خانواده شیوه و میزان مراقبت خانواده در تربیت فرزند، روابط اجتماعی و فرهنگ جامعه نیز بعنوان عوامل برون مرزی مدرسه ممکن است سود بخشی فعالیت های تربیتی را کاهش داده و ضایعه و اتلاف به بار آورند.

عوامل مؤثر بر افت تحصیلی

با توجه به تحقیقات و مطالعاتی که در سطح ایران و جهان در رابطه با مسأله افت تحصیلی انجام گرفته است و تجارب شخصی، می تواند عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان استان سیستان و بلوچستان را به چهار مقوله اصلی تقسیم نمود:

نامتناسب بودن هدفها و محتوای برنامه ها با نیازها و استعدادها و علایق دانش آموزان: قصور نظام آموزشی در برقراری هدفها و برنامه هایی که با نیازهای رشد و تکامل فرد و علایق و انگیزه های او متناسب و هماهنگ باشد، بر جریان تعلیم و تربیت تأثیر نامناسبی برجای گذارده و باعث افت تحصیلی می گردد.

در تعیین اهداف باید نیازهای فردی و اجتماعی فراگیران همواره، مورد نظر باشد، علاوه بر این مشخص بودن اهداف، وسیله مناسبی برای تعیین نوع مواد آموزشی، محتوای برنامه ها و چگونگی ارزشیابی و ایجاد هماهنگی بین فعالیت های مختلف آموزشی، حیثه فعالیت معلم می باشد و شاگردان با آگاهی از هدفهای آموزشی با میل و علاقه بیشتری به یادگیری می پردازند. علاوه بر این هماهنگی بین اهداف آموزشی، با استعدادها، علایق و نیازهای فراگیران، بر جریان آموزشی، تأثیر مطلوبی برجای می گذارد. بنابراین می توان گفت، عدم توجه به نیازها و استعدادهای دانش آموزان و تفاوت های فردی آنان، در این زمینه علاقه و انگیزه آنان را برای آموختن، از بین برده و این عدم علاقه، بازتاب نامطلوبی، بر نتایج کار داشته و میزان افت تحصیلی را افزایش می دهد.

۲- کمبود فضا و امکانات آموزشی: معلم خوب در شرایط محدود نیز می تواند مؤثر واقع شود. اما شکی نیست که فضا و تجهیزات آموزشی مناسب می تواند در کیفیت تدریس معلم و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، بسیار مؤثر باشد و موجبات کاهش افت تحصیلی را فراهم آورد در رابطه با فضا و امکانات آموزشی می توان به موارد ذیل اشاره داشت:

مشخص نموده اند (۳۵ نفر برای مدارس شهری و ۲۵ نفر برای مدارس روستایی) اما این سقف به علت کمبود کلاس، رعایت نمی شود و گاهی در کلاس، بیش از این تعداد است، دانش آموز وجود دارد و همین عامل سبب می شود که معلم نتواند به طور مؤثر و شایسته با دانش آموزان کار کند و به ارزشیابی مستمر آنان بپردازد و نقاط ضعف و قوت هر دانش آموز را بسنجد و در رفع نواقص آن اقدام نماید.

فقدان کتابخانه غنی فعال: با توجه به اهمیت روزافزون کتاب و کتابخوانی، در اکثر مدارس، کتابخانه ای وجود دارد ولی بیشتر محتوای این کتابخانه ها را کتابهای داستان تشکیل می دهد و کتابهای کمک آموزشی درصد ناچیزی را شامل می شود. در موارد نادری که کتابخانه ای غنی هم وجود داشته باشد، فرهنگ مطالعه نه تنها در دانش آموزان ما، بلکه در کلیه افراد جامعه ما رشد نکرده و جا نیفتاده است باید دانش آموزان را به مطالعه و تشویق و ترغیب نماییم، چنانچه دانش آموزان به مطالعه پایبند و علاقمند باشد، هر گاه با مشکلی در امر تحصیل یا زندگی مواجه شود درجه رفع آن اقدام می نماید و خوش می تواند نقاط ضعف خود را قوت بخشد.

فقدان آزمایشگاه و تجهیزات مناسب: برای دروسی که جنبه علمی دارند (مثل درس علوم و ...) مدارس نیازمند به یک آزمایشگاه مجهز می باشند، ولی به جرأت می توان گفت که بندرت در مدارس آزمایشگاه وجود دارد یا معلم (مسئول آزمایشگاه) آزمایش مربوطه را انجام می دهند و دانش آموزان فرصت انجام آزمایش را داد و معلم یا مسئول آزمایشگاه، جنبه هدایتی و ارشادی داشته باشند.

معلم یا کتاب درسی به دانش آموزان، تخته سیاه می باشد که متأسفانه تخته سیاه های مدارس از کیفیت مطلوبی برخوردار نیستند.

در ضمن میز و نیمکت هایی که دانش آموزان از آنها استفاده می کنند، کیفیت نامطلوبی دارند و حتی در مواردی که آمار دانش آموزان در کلاس بالا می باشد، تعداد زیادی از دانش آموزان از یک میز و نیمکت استفاده می کنند. در چنین حالتی که دانش آموزان با کمبود فضا مواجه می شوند چگونه می توان انتظار داشت که ذهنشان را به مطالب درسی و آموزشی متمرکز نمایند.

۳- نامتناسب بودن روش های ارزیابی: در اکثر نظام های آموزشی، پیشرفت تحصیلی و ارتقاء به کلاس بالاتر بر اساس ارزشیابی ها و امتحاناتی است که به طور فصلی و یا در پایان سال تحصیلی، از دانش آموزان به عمل و نمراتی که دانش آموزان در این امتحانات کسب می کنند، سرنوشت آینده آنان را روشن می سازد که به کلاس بالاتر می روند یا مردود شده و باید همان کلاس قبلی را تکرار کنند و یا ترک تحصیل گفته از نظام آموزشی خارج شوند. این تأکید زیادی بر نمرات امتحانی می شود.

از سوء دیگر نیز بر کل نظام آموزشی می گذارد یعنی دیگر این تکوین و تکامل فرد نیست که هدف اصلی نظام آموزش و پرورش است، بلکه توانایی یادگیری اموری که قابل اندازه گیری باشند، هدف اصلی بشما می آید و در این صورت نمره، به خودی هدف شده است و نه وسیله ای برای تصمیم گیری دوباره چگونگی کمک به آموزش و پرورش فرد.

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه نمود، این است وقتی کار دانش آموز ارزیابی می شود بجای تأکید بر آنچه که دانش آموز صحیح انجام داده است، بر اشتباهات او تأکید می شود.

درنگرش معلم، نسبت به کار دانش آموز جلوه گر شود تا بجای شمردن خطاهای دانش آموز، به آنچه که صحیح انجام داده توجه نموده و آنها را مورد تأیید و تشویق قرار دهد زیرا نتایج پژوهش های بسیاری از روانشناسان، براین امر دلالت دارد که اگر پاسخ های صحیح دانش آموز و پیشرفت های جزئی او هرچقدر هم ناچیز باشد مورد توجه و تأیید قرار گیرد عملکرد و پیشرفت او بهبود خواهد یافت.

۴) نامناسب بودن مقررات، شرایط و فضای مدرسه: شرایط نامناسب مدرسه و کلاس، تهدیدها و تویخ های رسمی و غیررسمی و تنبیه ها و جریمه های مکرر، ثبات عاطفی و روانی دانش آموزان را مختل نموده، شخصیت آنان را متزلزل کرده و آنان را کینه توز و پرخاشجو و نامتعادل می سازد. لذا به تقلب، خشونت و بی انضباطی گرایش یافته و این شرایط و مقررات نامطلوب، کارآیی نامناسب مدارس را بصورت مردودی و افت تحصیلی را در پی خواهد داشت.

۵) ضعف مدیریت: تحقق هدف های آموزشی رابطه نزدیکی با اثربخشی مدیریت دارد، نقش مدیران آموزشی سازماندهی مؤثر و بسیج منابع انسانی و مالی و مادی و هدایت فعالیت های اجرایی برنامه های آموزشی است. گرچه عوامل عمده در این جریان معلمین و دانش آموزان هستند ولی مدیران آموزشی می توانند با ایجاد روحیه و شرایط مناسب، تهیه و تدارک مواد و وسایل آموزشی راهنمایی و مساعدت فکری و ارزشیابی عملکردها و نتایج فعالیت های آموزشی زمینه اجرای مؤثر برنامه ها و تحقق هدف ها را فراهم سازند.

مدیران آموزشی با اقداماتی نظیر موارد زیر می توانند تغییرات چشمگیری در بازده کار معلمان و دانش آموزان بوجود آورند.

ب) هدف های کلی به هدفهای فرعی تقسیم شوند به طوری که در سطح مدارس قابل درک باشند.

ج) مدیران به کمک معلمان، هدفها را مجدداً به صورت هدف های عملی قابل اجرا در کلاس تعریف نمایند.

د) مدیران با اقدامات مناسب و بالا بودن روحیه کارکنان ف شرایطی فراهم سازند که معلمان هدفهای شغلی و شخصی خود را با هم پیوند دهند.

ب) عوامل مربوط به معلم

۱- عدم تخصص معلم: در بسیاری از مناطق خصوصاً مناطق روستایی مدارس با کمبود معلمان متخصص

مواجه هستند. در نتیجه آنان مجبورند به تدریس دروسی پردازند که تجربه و مهارت کافی در آن درس را ندارند و همین امر کارایی نظام آموزشی را کاهش میدهد و موجبات افت تحصیلی را فراهم می کند.

۲- استفاده از معلمان طرح سربازی (سرباز معلمان): این واقعیتی است که ما با کمبود معلم مواجه هستیم

و آموزش و پرورش وظیفه دارد به تامین معلمان مورد نیاز مدارس پردازند. یکی از طرح های آموزش و پرورش برای جبران کمبود معلم، استفاده از دیپلمه ها و ... به صورت طرح سربازی است اگرچه به

وسیله این طرح به ظاهر مشکل کمبود معلم تا حدی جبران می شود ولی این طرح خالی از اشکال نیست

مهمترین اشکال این طرح این است که سرباز معلم، (خصوصاً معلمان دیپلمه) از مهارت و تجربه کافی

در رابطه با درس مربوطه و امر تدریس و آموزش برخوردار نیست. دانش آموزی که به تازگی دیپلم

گرفته است یا دانشجویی که تازه در رشته ای (غیر از رشته های دبیری) فارغ التحصیل شده است، بعد از

گذراندن یک دوره کوتاه مدت آموزشی به امر مهم و خطیر تدریس و آموزش مشغول می شود در

دوم این طرح کمبود انگیزه و رغبت این معلمان به امر آموزش است بیشترین انگیزه داوطلبان طرح سربازی، این است که با استفاده از این طرح، از آموزش در پادگان رهایی پیدا می کنند و مدت سربازی خود را در خارج از پادگان می گذرانند.

۳- استفاده از روش های تدریس نامناسب: تدریس را نباید به وسیله ای برای انتقال دانش، از ذهن معلم یا محتوای کتاب، به ذهن دانش آموز تلقی نمود بلکه مراد از تدریس فراهم کردن شرایط مناسبی است که دانش آموزان تحت آن شرایط به یادگیری پردازند و روش آموختن اکتشافات و تفکر علمی را فراگیرند. امروزه اعتقاد بر این است که چنانچه معلم از شیوه تدریس فعال (یادگیرنده محور) استفاده نماید، موجبات کاهش افت تحصیلی را فراهم خواهد کرد. اما متأسفانه روشهای تدریس و یادگیری متداول در اکثر نظام های آموزشی بر اساس گوش دادن و بیان لفظی و حفظ کردن مطلب درسی، استوار است به جای تبادل افکار و بحث درباره امور و پدیده ها، معلم مطالب را بیان می کند و شاگردان گوش می کنند (یا گوش نمی کنند) و سپس آنها را تکرار می کنند. به هر حال، نادیده گرفتن این امور و تأکید بیش از حدی که بر روش های یادگیری غیر فعال (معلم محور) می شود، ذوق و خلاقیت و ابتکار دانش آموزان را نادیده گرفته، انگیزه ها و علایق آنان را برای آموختن از بین می برد، آنان را به افرادی منفعل و بی علاقه تبدیل می نماید که نتیجه آن به صورت بی حاصل بودن نظام آموزش و پرورش یا کارایی نامناسب نظام به صورت افت تحصیلی بروز می کند. به حق می توان گفت یکی از عوامل افت تحصیلی به ویژه افت کیفی در نظام آموزش و پرورش را باید در روش های تدریس معلمان جستجو کرد.

عدم توجه به نظرات دانش آموزان، عدم توجه به کاربرد تقویت کننده (تشویق ها) عدم ایجاد انگیزه در کلاس، تأکید بر اشتباهات دانش آموزان، به جای تأکید بر پاسخ های صحیح آنان، تأکید بر نقش عامرانه معلم در کلاس به جای نقش راهنما و هدایت کننده معلم و ... همگی می توانند به عنوان علتی برای افت تحصیلی به شمار روند.

۵- کمبود امکانات رفاهی معلمان: شاید این مسئله به طور مستقیم با افت تحصیلی دانش آموزان در ارتباط نباشد، ولی بطور غیر مستقیم، در افت تحصیلی دانش آموزان مؤثر است. وقتی معلمان در تأمین معیشت خود، با مشکل مواجه شوند، چگونه می توانند با خاطر آزاد و باز به امر آموزش و پرورش دانش آموزان بپردازند؟ برای ایجاد جاذبه شغلی در حرفه معلمی، لازم است تدابیری اندیشیده و امکانات و شرایطی فراهم گردد تا معلمان چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی و اجتماعی، تأمین بیشتری داشته باشند و با خیال راحت و آسوده به امر آموزش و پرورش دانش آموزان بپردازند.

ج) عوامل مربوط به والدین و محیط

۱- بی سوادی والدین: دانش آموزان خصوصاً در دوره ابتدایی نیازمند کمک والدین در انجام تکالیف درسی می باشند و دانش آموزانی که والدین آنها سواد لازم را نداشته باشند، در مسائل آموزشی و درسی با مشکل مواجه شده و موجبات افت تحصیلی آنان فراهم می گردد.

۲- کمک و دخالت مستقیم والدین: در انجام تکالیف درسی، گاهی والدین به جای اینکه نقش راهنمای و هدایت کننده را داشته باشند؛ شخصاً تکالیف دانش آموز را انجام می دهند این مسأله معمولاً

انجام نمی دهد یا بصورت ناقص انجام می دهد.

۳- فقر اقتصادی والدین: تحقیقات ثابت کرده است بین فقر اقتصادی و افت تحصیلی رابطه مستقیم وجود دارد. خانواده های فقیر و بی بضاعت در تأمین وسایل اولیه تحصیل فرزندانشان (کیف و کفش و ...) با مشکل مواجه می شوند. در بسیاری مواقع، خانواده ها به دلیل فقر مالی مجبور می شوند از کودکان خود بخواهند در تأمین زندگی با آنها همکاری داشته باشند، چنین کودکانی بعد از تعطیل شدن مدارس پا به پای والدین به کارهای مختلف مثل (واکسی - سیگار فروشی و ...) می پردازند و فرصتی برای تحصیل ندارند.

۴- اعتیاد والدین: تحقیقات، اعتیاد والدین را به عنوان یکی از عوامل افت تحصیلی معرفی کرده است. اگر والدین یا یکی از آنها دچار مشکل اعتیاد باشند، نه تنها نمی توانند کودکانشان را در امور تحصیل هدایت و راهنمایی کنند، بلکه خود کودک به خاطر اعتیاد والدین (یا یکی از آنها) دچار سرخوردگی و حقارت می شود و موجبات افت تحصیلی فراهم می شود.

۵- فوت والدین: وقتی دانش آموزی والدین، یا یکی از آنها را از دست می دهد، به آسانی و به راحتی نمی تواند با این موضوع کنار بیاید و این مسأله (فوت وابستگان) تمام مسائل کودک از جمله امور تحصیل او را فراهم می کند.

۶- اختلافات موجود در خانواده: خانواده مهمترین مکان برای تأمین امنیت و آسایش کودک است، ولی کشمکش و نزاع در خانواده، تعادل روحی و روانی و فکری کودک را بهم می زند و آرامش را از دانش آموز که لازمه یادگیری می باشد، سلب می کند. در چنین خانواده ای کودکان ثبات عاطفی و

نیست چون مشکلات خانوادگی آنها را مشغول کرده است) و موجبات افت تحصیلی آنها فراهم می شود.

۷- فرزندان طلاق: کودکانی که جدا از خانواده خود یا با یکی از آنها زندگی می کنند احساس پوچی و یأس می کنند. از آنجا که والدین از هم جدا شده اند کودک با هر یک از والدین باشد مورد محبت اولیه خانواده قرار نمی گیرد، خصوصاً اگر والدین جوان باشند. چون والدین حق دارند که دوباره ازدواج نمایند و راه خوشبختی خود را دوباره پیدا کنند اما با وجود کودک خصوصاً مادران برای ازدواج مجدد با مشکل مواجه می شوند و احتمالاً اگر هم کودک را بپذیرند محبت اولیه را نسبت به او نخواهند داشت و به همین سبب کودک احساس پوچی می کند و در امور تحصیلی با مشکل مواجه شده زمینه افت تحصیل او فراهم می شود.

۸) تعصب بی مورد نسبت به جنسیت: از دیرباز نسبت به جنس مؤنث تعصب بی مورد وجود داشته است و این فرهنگ غلط هنوز هم در کشور ما (خصوصاً در مناطق محروم سیستان و بلوچستان) وجود دارد. خانواده ها معتقدند که دختر نهایتاً باید ازدواج نماید و به کار خانه داری مشغول شود و این وظیفه مرد است که مخارج منزل را تأمین کند. همین طرز فکر سبب می شود که دختران نسبت به امر تحصیل بی تفاوت باشند. هر چند که الحمداً بعد از انقلاب اسلامی این تعصب کم رنگ شده است.

۹) ازدواج زود هنگام دانش آموز: در مناطق سیستان و بلوچستان، معمولاً افراد، زود ازدواج می کنند و گاهی دانش آموز زبده و مستعد (دختر و پسر) قبل از پایان رساندن تحصیلات متوسطه به امر ازدواج تن می دهد. البته ازدواج، آنگاه به عنوان مشکلی در امر تحصیل چهره می نماید که بدانیم

رغبت اولیه را نسبت به تحصیل ندارند .

۱۰) تحمیل رشته تحصیلی به دانش آموز: بیشتر والدین دوست دارند فرزندشان ، آینده درخشانی داشته باشد و این آینده درخشانی را در رشته های تحصیلی خاصی (به خصوص علوم تجربی و علوم ریاضی) می بینند و به همین دلیل بدون توجه به علاقه و استعداد کودکشان ، تمایل دارند ، فرزندشان در همان رشته های مخصوص به تحصیل پردازد در چنین مواقع از آنجا که فرد در رشته مورد علاقه خود به تحصیل نمی پردازد ، نسبت به امر تحصیل و آموزش بی رغبت شده و موجبات افت او فراهم می شود .

۱۱) نزدیکی به کشورهای خلیج فارس : بسیاری از افراد برای جستجوی کار، به کشورهای خلیج فارس سفر می کنند و مدت طولانی در همان کشورها به سر می برند، بسیاری از دانش آموزان خصوصاً دانش آموزان دوره متوسطه ، همین آرزو را در سر دارند ، که برای این که آینده روشنی داشته باشند به کشورهای خلیج فارس سفر کنند و در همان جا مشغول به کار شده و بعد از چند سال بادیستانی پر به شهر خود برگردند .

علاوه بر این مورد از آنجا که شهرستان چابهار به راحتی تصاویر سیمای کشورهای خلیج فارس را دریافت می کند و از این طریق نوجوانان و جوانان بازرق و برق کشورهای خلیج فارس آشنا می شوند و از این که خودشان از این امکانات محرومند احتمالاً دچار یأس و سرخوردگی می گردند .

۱۲) وجود مشاغل کاذب ، وجود منطقه آزاد تجاری برای هر کشور یا منطقه ای می تواند فواید بسیاری را در پی داشته باشد .

خرید به منطقه آزاد تجاری چابهار سفر می کنند و از آن جا که خودشان به تنهایی نمی توانند هر نوع وسایل و به هر مقدار را از منطقه آزاد تجاری خارج کنند ، از کودکان منطقه در ازای مقداری پول کمک می گیرند و همین امر سبب روی آوردن کودکان به مشاغل کاذب (به اصطلاح امروزی چتربازی) می شود و موجبات افت تحصیلی آنان را فراهم می سازد .

۱۳) عدم ارتباط والدین با مسئولان مدارس : در ذهن بسیاری از والدین این تصور غلط وجود دارد هنگامی مسئولان مدارس از آن ها دعوت می کنند تا در انجمن اولیاء و مربیان شرکت نمایند، هدفشان گرفتن پول می باشد . در صورتی که آگاه نیستند ،هدف اصلی از این انجمن ها توجه کردن به مسایل آموزشی است . در صورتی که اولیاء با مربیان به طور مداوم در تماس باشند، مشکلات آموزشی دانش آموزان به حداقل خود می رسد .

د) عوامل مربوط به دانش آموزان

۱- دوزبانگی کودک : از آنجا که بیشتر دانش آموزان منطقه استان سیستان و بلوچستان ، به زبان مادری تکلم می نمایند که با زبان رسمی کشور هم در نگارش و هم در گویش ، تفاوت هایی دارد دانش آموزان در هنگام آموزش و تحصیل با مشکل فهمیدن مطالب مواجه شوند و موجبات افت آنان فراهم گردد . این مسأله (مشکل دوزبانگی) بیشتر در مقطع ابتدایی رخ می دهد و در مقاطع راهنمایی و متوسطه تأثیر این عامل در افت تحصیلی کمتر می باشد . از طریق فرستادن کودکان به مهد کودکها تا حدود زیادی می توان این تأثیر را کاهش داد .

بسیاری از دانش آموزان ، آینده مبهمی را برای خود تصور میکنند و این فکر گاهی بر آنان حاکم می شود که الان فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکار هستند وای به حال ما .

همین طرز فکر نوعی ناامیدی در آنان به وجود می آورد و سبب می شود دانش آموزان دست از تلاش و کوشش بردارند و به مسأله تحصیل بی تفاوت باشد .

۳- وجود تفاوت های فردی : تحقیقات ثابت کرده است دوقلوهای همسان هم از نظر عقلانی و خصوصیات دیگر با همدیگر تفاوت دارند در نتیجه دانش آموزانی که از گروههای مختلف و خانواده های متفاوت فردی بسیار می باشند و لازم است مشاوران و مربیان در برنامه های آموزشی خود تفاوت های فردی را در نظر بگیرند . دانش آموزان از نظر علایق ، توانایی ها ، استعداد ها ، نیازهای آموزشی ، سطح خانوادگی ، موقعیت اجتماعی و ... با هم تفاوت دارند و لازم است که این تفاوت ها در نظر گرفته شوند .

۴- تغذیه دانش آموزان : بسیاری از والدین به امر تغذیه دانش آموزان خصوصاً در زمانی که در مدرسه مشغول به تحصیل هستند توجه نمی کنند .

چه بسا بسیاری از دانش آموزان بدون خوردن غذا ، صبحانه یا ناهار به مدرسه می آیند و اگر نیاز اولیه انسان یعنی همان نیاز فیزیولوژیکی بر طرف نشود ، دیگر نیازها هم برآورده نمی شود . دانش آموزانی که با شکم گرسنه به امر تحصیل می پردازند چگونه می توانند ذهن خود را به امر تحصیل (حدود ۵ یا ۶ ساعت در روز) متمرکز نمایند . هر چند که آموزش و پرورش به دانش

نشود نمی توان مشکل افت تحصیل را کاهش داد .

۱-علاقه بند ، مقدمات مدیریت آموزشی ، تهران بعثت ، ۱۳۷۳ .

افت تحصیلی چیست ؟

بین ۱۰ تا ۱۵ درصد از جمعیت ۱۹ میلیونی دانش آموزان ایران هر سال مردود می شوند یا ترک تحصیل می کنند . گرچه این نسبت رو به افزایش نیست ، با توجه به قدر مطلق عدد و از این رو که افت تحصیلی به تلفات نیروی انسانی و رشد و پیشرفت و آینده افراد ارتباط دارد ، جا دارد از پیش به آن توجه شود .

مانا لقمانی

افت تحصیلی، به عنوان یکی از مسائل نظام آموزشی ، چیست و چه عواملی سبب آن است ؟ به گفته یک دبیر " افت تحصیلی کاهش معلومات دانش آموزان نسبت به سال های قبل پائین آمدن بازده مطلوب از هر درس با معیارهای معمول آن درس است ."

زهره احمدی، کارشناس برنامه ریزی ، نظر می دهد : " چنانچه نمرات دانش آموزدر مقایسه با خودش رشد منفی داشته باشد یا بناچار ترک تحصیل کند، دچار افت تحصیلی شده است. اگر تعداد این گونه افراد به حدی باشد که به توان گفت بخشی قابل توجه از بودجه آموزشی کشور به هدر رفته ، سیستم افت شده است ."

علی مهدی ، در هسته مشاوره منطقه ۳ آموزش و پرورش تهران ، افت تحصیلی را این گونه تعریف می کند . : " ظرفیت یادگیری دانش آموز پس از یک دوره موفقیت تحصیلی کاهش یابد ، با پایه تحصیلی را تکرار کند و به طور کلی نمراتش نسبت به ماهها یا سالهای قبل سیر نزولی داشته باشد ."

سطحی رضایت بخش به سطحی نامطلوب است."

گلناز سعیدی ، مسئول گروه‌های آموزشی متوسطه منطقه ۳ تهران ، بر این عقیده است : "افت تحصیلی به معنی پائین آمدن میزان و میانگین نمرات یک دانش آموز در یک ماده درسی خاص است این روند ناگهانی و اتفاقی روی می دهد . چنانچه این وضعیت دائمی شود ، در این صورت افت تحصیلی در اثر عواملی قابل بررسی اتفاق افتاده است . تصور من این است که پائین آمدن نمرات قطعاً معلول شرایط و عواملی است که باید از جانب کارشناس تعلیم و تربیت تجزیه و تحلیل شود ."

افت تحصیلی زمانی که در سطحی گسترده روی دهد به کل نظام درسی برمی گردد و نه تنها کارشناسان آموزش بلکه به افراد جامعه نیز ارتباط پیدا می کند ، نابرابریهای اقتصادی در جامعه و در روش زندگی افراد گاه به نابرابری آموزشی می انجامد. فرزندان که والدین آنها می توانند هزینه بیشتری صرف تعلیم و تربیت شان کنند و امکانات بیشتری در اختیارشان قرار دهند ، جز در شرایطی خاص و استثنایی ، کمتر دچار افت تحصیلی ناگهانی می شوند.

از عواملی احتمالی افت تحصیلی می توان از فقدان تخصص دبیر در درسی که تدریس می کند ؛ مسائل اجتماعی ، روانی و خانوادگی ، بی انگیزه شدن شاگرد . عدم امیدواری به آینده ، کم اهمیت شدن تحصیل ، برنامه ریزی نادرست ، تحولات جامعه ، و ناآشنایی مربیان با شیوه های برخورد با خردسالان و نوجوانان در کلاس نام برد .

زهرا احمدی علل عمده در افت تحصیلی دانش آموزان را این گونه بر می شمرد :

شوند اما با شناخت مقطع جدید و انتظارات مسئولان مدرسه و خانواده : این مشکل در بیشتر دانش آموزان رفع می شود .

- مشکلات خانوادگی : تغییرهای ناگهانی اقتصادی و روانی ، حوادث ناگهانی در خانواده (مرگ یا جدایی) ، تولد کودک جدید یا مهاجرت .

- آشفته‌گی های فکری : خصوصاً در دوران بلوغ یا بیماریهای جسمی در یک دوره خاص .

- برقراری دوستی های جدید یا ازدست دادن دوستان جدید .

- امکانات و فضای مدرسه .

- عدم تساوی امکانات آموزشی .

- عدم علاقه به درس و مدرسه : بسیاری از محصلانی که دبیرستان را تمام نمی کنند می گویند چون به

مدرسه علاقه مند نیستند آن را ترک می کنند . به عبارت دیگر ، نوجوانان درسهایی را می گذرانند به حال خود مفید نمی دانند .

- در نظر نگرفتن توانایی های دانش آموزان در برنامه ریزی .

- روش تدریس معلم .

جزئیات افت تحصیلی را می توان چنین برشمرد :

علل فردی : (۱) هوش (۲) توجه ؛ (۳) انگیزه (۴) آشفته‌گی های عاطفی و هیجانی ؛ (۵) یک یا چند نارسایی

جسمی به سبب ضعف بنیه دانش آموز . ضعف در بینایی و شنوایی ، ناراحتی در مراکز عصبی و

ناهماهنگی های حس و حرکتی ، مشکلات ارتباطی .

والدین ؛ فقدان والد با والدین ؛

مشاجره و ناسازگاری والدین ، نحوه ارتباط دانش آموزان با خواهر و برادران و مقایسه دائمی او با برادران و خواهرانش و سایر شاگردان در خانواده های آشنایان در منزل .

علل مدرسه ای : شیوه تدریس معلم ، برنامه درسی مدرسه ، ارزش ها و پیش داوری های معلم ، شرایط فیزیکی کلاس ؛ تعویض مکرر معلمان در طول سال تحصیلی ؛ ناسازگاری دانش آموز با روش تدریس و خصوصیات معلم ، روش نادرست ارزیابی معلم از عملکرد دانش آموزان ؛ شیوه نادرست معلم در کنترل و هدایت کلاس ؛ فقدان وسایل کمک آموزشی ، کمبود کتاب درسی ، عدم همکاری و ارتباط بین اولیاء و مدرسه .

کارشناسانی معتقدند این فهرست را می توان طولانی تر کرد : ایجاد اختلاف طبقاتی خصوصاً بین مدارس برخوردار و نیمه برخوردار و محروم ، نداشتن انگیزه کافی برای درس خواندن ، نبود برنامه ریزی مناسب و نگرانی نوجوان از آینده ، پائین بودن سطح معلومات اولیا خصوصاً در مناطق محروم ، عدم ارتقای سطح علمی معلمان در مراکز تربیت معلم ، عدم تخصیص بودجه کافی به امر آموزش و ناکافی بودن بودجه دولتی ، تغییرات فوری و ناگهانی دو سیستم آموزش و پرورش در خصوص مدیریت ها و برنامه ریزی های آموزشی عدم تأمین نیروی متخصص خصوصاً در پایه های آخر دبیرستان در استان های محروم و دورافتاده ، عدم مطالعه کافی معلمان در طول دوران تدریس و در نتیجه دور بودن از اطلاعات و دستاوردهای علمی روز ، تغییرات شدید و نبود آموزش کافی در خصوص نحوه اجرای خصوصاً آئین نامه امتحانات ؛ عدم نشاط کافی در دانش آموزان در نتیجه یکنواختی و جذاب نبودن کتابهای درسی .

ممکن است به همان اندازه در افت تحصیلی نقش داشته باشد که کم کاری معلم و نامساعد بودن محیط مدرسه و تأثیر همسالان .

دو جنبه درسی ، علل مردود شدن دانش آموزان را می توان این گونه طبقه بندی کرد :

با پایه درسی ضعیف به کلاس بالاتر بروند بدون آن که مهارت های لازم را کسب کنند .

- از هوش کافی بهره مند نباشند یا دیر یاد بگیرند و در نتیجه بی توجهی مربیان مدرسه به تفاوت های فردی ، نتوانند پایه پای مدرسان پیشرفت کنند .

- کوری ذهن ، یعنی دانش آموز در اثر تجربه ای تلخ در خانه ، مدرسه یا اجتماع نسبت به ماده ای درسی

بی علاقه شده باشد ، یا در نتیجه تنبیه با ترس مفرط ، اعتماد به نفس خود را از دست داده باشد .

- گاه دانش آموز قدرت جسمانی لازم را ندارد و دچار عوارضی است که باید به آن ها توجه شود .

گرفتاری های خانوادگی نیز در کاهش تمرکز دانش آموز مؤثر است .

- تداوم این احساس در دانش آموز که ارزشیابی پایه و اساس درستی ندارد و در محیط مدرسه و

کلاس تبعیض هست ، سبب دلسردی ، یأس و افسردگی او در مدرسه شود و احساس کند فردی است

شکست خورده که کسی دوستش ندارد . ترکیبی از این عوامل ممکن است سبب شود دانش

آموز از همکلاسانش عقب بماند ، سطح نمراتش پائین بیاید و نهایتاً مردود شود .

ابزار کمک آموزشی حتماً دستگاه های گرانقیمت الکترونیک نیست

تغییر بسیاری از جنبه های مؤثر در افت تحصیلی به کار و وقت بسیار نیاز دارد . بالاین همه ، یکی از راههای

ایجاد انگیزه در دانش آموزان و پیشگیری از افت تحصیلی ، استفاده از ابزاری است که کمک کند از تکیه

الکترونیک و گرانقیمت ، و در فیلم و نوار و اسلاید خلاصه می شود .
هر وسیله ای که به معلم کمک کند کمتر متکی به سخنرانی و کتاب درسی باشد و در دانش آموزان انگیزه خلاقیت ایجاد کند می تواند در حکم شیوه ای مؤثر باشد . توران میر هادی از تجربه های خود در مدرسه فرهاد می گوید : " در تهیه وسایل آزمایشگاهی از طریق خودباوری پیش رفتیم . کار از یک گنجه کوچک در راهرو مدرسه شروع شد و رفته رفته گسترش یافت ، تا جایی که آزمایشگاه و موزه مدرسه یک مرکز آموزش فعال برای همه دانش آموزان باشد . هر کس به سفر می رفت بهترین ارمغانی که می توانست برای مدرسه می آورد : نمونه های مواد مختلف ، تصاویر ، نشریات ، نقشه ها ، گیاهان خشک شده ، گوش ماهی و چیزهای دیگر . " میرهادی معتقد است وسایل و تجهیزات باید از محیط و نیازهای خود دانش آموزان تهیه شود و از طریق خودیاری بسیاری از مشکلات را می توان در مدرسه حل کرد .

افت تحصیلی در عصر دانایی

محمود فنبری

بدون شک ، این برداشت که افت تحصیلی به معنای ناتوانی دانش آموز در یادگیری مواد و محتوای درسی است ، نادرست و غیر منطقی است . ناتوانی ممکن است از توانایی های افت تحصیلی به معنای تنزل از یک سطح بالاتر به مرتبه ی پایین تر در تحصیل و آموزش و یا کاهش عملکرد تحصیلی دانش آموز از سطحی رضایت بخش به سطحی نامطلوب است . با توجه به این تعریف مقایسه و سنجش سطح عملکرد بر اساس نمرات تحصیلی قبلی و فعلی بهترین شاخص افت تحصیلی است . ولی آیا واقعاً این چنین است . آیا امتحان می تواند توانایی ها و ناتوانی های فرزندانمان رابه آموزش بکشد ؟

، خانواده ها ، گروه ها ، کشورها و حتی نوع بشر تبدیل نموده است و ازسوی دیگر عوارض ناشی از بی قیدی های تربیتی و حذف ارزش های معنوی و پیامد های مرگبار روحی و روانی و مادی و معیشتی را ارمغان دوران ساخته است . اگر در فرآیند یاد گیری و آموزش و فراگیری به تجربه درهر یک از سطوح و مراحل گردآوری اطلاعات ، طبقه بندی آن ها ، تجزیه و تحلیل و در نهایت قضاوت ، ارزیابی و تعمیم یافته ها و نیل به تحصیل نظری و عملی مورد توجه قرار گیرد ، آموزش ها مفید و کارآمد خواهد بود .

به طوری که درسامان یافتگی و تقسیم بندی اوقات و عمر انسانی نیز ثلثی به «فراگیری» ، ثلثی به «فرادهی» و قسمتی به «فراخوری» انتظام و اختصاص یافته است و به همین سان به سامانه تخصیص اعتبار و هزینه و بازدهی جوامع و کشورها نیز بخشی به تولید علم و دانش ، ثلثی به توجه به حواجی و دستیابی به نعمات مادی و قسمتی از فرصت ها به اثبات و سرمایه گذاری اختصاص می یابد .

افت تحصیلی که به غلط یکی از شاخص ها و مؤلفه های توسعه نیافتگی و عدم توسعه سازمان های آموزش و پرورش در جهان تبدیل شده و نظام های آموزشی دانسته یا ندانسته آنرا با انواع نمایشاتی از آمار و ارقام و نمودارها بیان می کنند ، به خودی خود از مرجعیت و اعتبار کافی برخوردار نیست .

لازم است در دیدگاه و ارزش های خود درباره شیوه و ارزشیابی و سنجش آموخته ها تجدیدنظر کرده و طرحی نو دراندازیم . چون حقیقت این است که هر فراگیربرسته مجموعه ای از شرایط داخلی و خارجی آموزش می بیند و می آموزد که برخی از آنها را می توان به شرح زیر تقسیم بندی کرد :

نظیر علل آموزشی : مثل تراکم برنامه های درسی ، فقدان برنامه ریزی تحصیلی مناسب ، عدم انطباق اهداف و محتوای آموزشی .

جسمی ، فراموشی مقطعی و ادواری .

علل خانوادگی نظیر : روابط و نظام ارزشی حاکم بر خانواده ، اشتغال کودکان ، فقدان والد یا والدین ، میزان سود و تحصیلات والدین ، بی توجهی خانواده نسبت به نیازهای کودکان .

بنابراین دانش آموز همانی را می آموزد که می تواند بیاموزد و باتوانایی و امکان آنرا دارد .

حقیقت این است که دیگر حتی لغت و مفهوم امتحان برخاسته از ریشه محسن و رنج برای طراحی فرآیند یادگیری و برنامه ریزی درسی کاربرد چندانی ندارد و به همین دلیل صاحب نظران علوم یادگیری و تعلیم و تربیت مفهوم و لغت ارزیابی و ارزیابی تکوینی و پروسه ای را به جای آن در منظومه فراگیری تعبیه نموده اند که به موجب آن ارزشیابی بخشی ضروری و مفرح و برخاسته از جوهر یادگیری و در منظومه یادگیری است که شادابی و نشاط را به ارمغان می آورد و بار دیگر منطق یادگیری و آموزشی را به جای ایستادن بر سر به قاعده آن می ایستادند . باشد تا آن روز که افت تحصیلی دیگر به ناتوانی فرزندانمان تعبیر نشود .

آموزش زبان خارجی و عوامل افت تحصیلی

عواملی که در افت تحصیلی دانش آموزان در درس زبان انگلیسی دخیل هستند را می توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد. ۱- بازدارنده های درونی و ۲- بازدارنده های بیرونی موثر در عدم یادگیری و زبان آموزی یا افت تحصیلی. مسلماً این تقسیم بندی فقط برای سهولت در توضیح و تبیین دلایل موثر در امر یادگیری و یا عدم یادگیری زبان انگلیسی مطرح است شاید این علت ها چنان به هم پیچیده باشند که به سادگی نتوان به تقسیم بندی مشخصی دست یافت. چرا که ریشه در پیچیدگی رفتار و حالات روحی و روانی نوع انسان دارد.

می دهیم، «نورشاهی» افت تحصیلی را اینگونه تعریف می کند: «...اصطلاح افت تحصیلی (Wastage) را ضایعات مربوطه به دانش آموز یا دانشجو در نظام آموزشی از نظر طولانی تر شدن زمان تحصیلی یا ترک تحصیل تا پایان دوره پیش بینی شده دانسته اند... می توان گفت افت تحصیلی یا اتلاف به صورت های زیر در آموزش و پرورش آشکار می شود: الف) افت تحصیلی بر اثر قصور نظام اجتماعی در فراهم آوردن آموزش و پرورش همگانی، ب) افت تحصیلی بر اثر قصور نظام آموزشی در آوردن کودکان، نوجوانان و جوانان به داخل نظام آموزش و پرورش، نگهداری افراد در داخل نظام آموزشی، برقراری هدف ها و برنامه های متناسب آموزش و پرورش و دستیابی کارآمد به هدف ها و برنامه های نظام»

در بین عوامل گوناگون موثر در یادگیری شاید هیچ یک به اندازه «انگیزه» یا علاقه از جایگاه ویژه ای برخوردار نباشد. وجود انگیزه در موفقیت هر کاری از جمله در یادگیری زبان خارجی یا زبان آموزی مهمترین عامل است منظور از انگیزه یا انگیش به گفته گرجیان... «داشتن یک نیاز جسمانی یا نیاز روانی و اجتماعی است که شخصی را برای نیل به هدف به حرکت وامیدارد تا در پرتو آن به ارضاء نیاز خود پرداخته و در اثر دستیابی به هدف در خویش احساس رضایت نماید» وی در ادامه می افزاید «میزان و نوع انگیزش در کیفیت و کمیت فرایند یادگیری نقش تعیین کننده ای دارد و معلم زبان در دادن انگیزش به زبان آموز در یادگیری زبان انگلیسی نقش عمده ای ایفا می کند»

در این میان نقش معلم در ایجاد انگیزش و دادن آگاهی به زبان آموزان بسیار مهم است متأسفانه آن چیزی که معلمان در عمل با آن روبرو و حتی زبان آموزان سطح آموزش عالی گرفتار آن هستند ناآگاهی از هدف و علت و «چرایی» یادگیری زبان خارجی است تا چه رسد به «چگونگی» آن! این

هریک از موارد درسی کاملا آگاه نمایند تا موجب دلگرمی و تحریک دانش آموزان برای فراگیری درسهای موردنظر از جمله زبان انگلیسی شود.

عکس این موضوع نیز لطمات جبران ناپذیری را بر پیکره آموزش و پرورش وارد می آورد ممکن است معلم هدف یادگیری درس مورد نظر را روشن نموده باشد ولی دانش آموزان به علت بی انگیزه باشند که بدان نیز اشاره خواهد شد.

بی شک عامل دیگری که اگر نگوییم بیشتر بلکه به اندازه همان عامل پیشین در پیشرفت یا افت تحصیلی موثر است «نبودن یا پایین بودن انگیزه» در میان معلمان است. اگر بپذیریم معلم شاداب و با انگیزه در کار آموزشی خویش موفقتر از معلمی مضطرب، ناراحت، آشفته و بی انگیزه یا کم انگیزه خواهد بود، در این صورت هم باید بپذیریم که حتما عواملی چند در اضطراب و یا نگرانی معلم نقش دارند که باید برای شاداب و با انگیزه نگهداشتن این فشر عوامل منفی را باید از بین برد. شخصیت و رفتار معلم سازنده شخصیت و رفتار شاگرد است. این موضوع به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی چشمگیرتر است. بنابراین معلمی که می خواهد برشاگردان اثر مثبت بگذارد خود باید از شخصیت متعادل و سالم برخوردار و از لحاظ مادی هم تامین باشد.

نداشتن «هدف» هم باعث پایین آمدن و کاهش انگیزه برای انجام بهتر کارها می شود هدف شاید بیشتر از دیگر امور در آموزش و پرورش و یادگیری موثر باشد چون در آموزش و یادگیری با روان، طرز نگرش و روحیه زبان آموز سرکار داریم.

خاصی در برنامه آموزش و یادگیری و یا عدم یادگیری دارد. انگیزه و هدف باعث می شود که زبان آموز توجه خاصی به مطلب یا مطالبی که به وی آموزش داده می شود بنماید در نتیجه مطالب را بهتر فرا خواهد گرفت.

استفاده از برنامه و روش تدریس غلط هم نتایج نامطلوبی به بار خواهد آورد. بطور مثال ممکن است گاهی پدر و مادر زبان آموز و حتی جامعه توقع و انتظار نادرستی از زبان آموز خویش و همچنین از معلمان و نهاد آموزشی داشته باشند در حالی که هدف نهایی زبان آموزی به ویژه در سطح راهنمایی و متوسطه چیزی غیر از آن است که اکثر ما انتظار از آن داریم طبق گفته ب.و.بلفاف «...درباره پایان دوره یادگیری زبان خارجی هدف تسلط مطلق نیست بلکه لحظه ای است که پس از آن شخص بتواند کمابیش روان و بدون دستبازی به ترجمه، اندیشه های دیگران را بفهمد، اندیشه خود را بیان کند و به زبان خارجی بیندیشد. ناگفته پیداست که این مستلزم جذب ویژگی های بنیادی واژگانی و دستوری آن زبان است چنانچه در دوره یادگیری این ویژگی ها با روندهای فکری شخص کم کم پیوند مستقیم یابند» اگر ما توقع داشته باشیم زبان آموزان در پایان دوره متوسطه بتوانند با روانی و فصاحت تمام به زبان انگلیسی صحبت کنند و بتوانند بدون غلط هر چیزی را که می خواهند بنویسند در این صوت این بدان می ماند که ما در پایان دوره متوسطه از دانش آموزان رشته ریاضی و فیزیک انتظار داشته باشیم کلیه مسایل و ریزه کاریهای آنها بدون هیچ گونه مشکلی بلد باشند!

اگر با دیدی واقع بینانه به این مورد بنگریم در این حالت انتظار ما متعادل خواهد شد و به اندازه هدف از پیش تعیین شده برای ماده درسی زبان انگلیسی توقع خواهیم داشت.

پرسشهای گوناگون حتی در سطح آموزش عالی به وجود می آورد که پاسخ آن را سالها پیش باید آموخته باشند. چون هدف از پیش برای زبان آموزان و علت یادگیری نیز به تبع آن مشخص نشده است در نتیجه، پایین بودن انگیزه باعث افت یادگیری در ماده درسی زبان انگلیسی می شود.

نگرش منفی زبان آموز به درس

نگرش منفی نتیجه منفی به بار خواهد آورد با عینک بدبینی دنیا را بد خواهیم پنداشت و برعکس. بع عبارتی دیگر چنانچه ما نسبت به موضوعی شناخت و آگاهی کافی نداشته باشیم در رسیدن به هدف نهایی هم قادر به شناخت روشهای برتر نخواهیم بود. بنابراین عدم شناخت راهکارهای رسیدن به هدف ما را با مشکل و دشواری مواجه می کند در برخورد با این مشکلات گاهی ممکن است با شکست روبرو شویم شکست هم موجب تضعیف روحیه شده و در نتیجه نگرش منفی و بیزاری می گردد. در یادگیری و آموزش درس، نگرش منفی به صورتهای گوناگون همچون گریز از مدرسه بهانه های بی پایه و اساس غیبت بیش از حد مجاز در درس خود را ظاهر می سازد همه این موارد موجب دلسردی و یاس از موفقیت در یک ماده درسی مثل زبان انگلیسی می گردد.

پس چه باید کرد؟ پاسخ با این پرسش دشورا است اما می توان با روشن ساختن و تبیین هدف و راه هایی که موفقیت در یک ماده درسی را برای دانش آموزان به ارمغان می آورد در دانش آموزان ایجاد انگیزه کرد اگر این ذهنیت منفی که «زبان درس مشکلی است و هر چقدر هم تلاش کنم، موفق نخواهم شد» را با دلایل روشن و قانع کننده از ذهن زبان آموز پاک کنیم و به جای آن دیدی نو و مثبت در وی ایجاد کنیم در این صورت گامی مهم در راه موفقیت زبان آموز برداشته ایم.

فنون تدریس مطلع هستند سپرد. البته برای اینکه این معلمان از قافله پیشرفت و یافته های جدید علمی در زمینه تخصص شان عقب نمانند باید هر از چندگاهی برای آنها دوره های آموزش ضمن خدمت با تدریس و راهنمایی استادان مسلط برگزار گردد.

دیگر پیامد تاسف بار این وضعیت، امتحانات صوری و ساده از دانش آموزان است یا اینکه به هر طریقی به غیر حق به دانش آموزان نمره داده می شود تا بتوانند پایه مورد نظر را با موفقیت (البته به ظاهر) پشت سر گذارند. این امر باعث می گردد زبان آموزان درس ها را به خوبی فرا نگیرند بلکه فقط به نمره فکر کنند.

فرض کنید زبان آموزی در درس زبان انگلیسی نمره ۸/۵ را کسب کرده باشد. مسلماً قبل از اینکه در لیست نهایی نمره وارد گردد آن زبان آموز و یا اولیای وی به طرق گوناگون از روش سفارش و یا التماس مستقیم خود زبان آموز، به بهانه اینکه فقط همین درس را پاس نکرده یا بقیه درسهایش را نمره خوب آورده است از معلم می خواهند نمره قبولی در درس زبان انگلیسی را به دانش آموز فوق الذکر بدهند.

باید به عوامل فوق این واقعیت را بیفزاییم که در حدود ۱۳/۶ درصد از کل دانش آموزان و در نتیجه زبان آموزان دیر آموزند. این موضوع را پیروی نیا، اینگونه بیان می کند. کودکان مرزی ۱۳/۶ درصد از جامعه دانش آموزان را تشکیل می دهند و هوش بهره آنها در مقیاس و کسلر بین ۷۰ تا ۸۵ نمره قرار میگیرد... علت چیست؟ این مشکلات از کجا ناشی می شود؟ چه باید کرد؟ اکثر این مشکلات هنگامی بروز می کند که دانش آموز مهارت های پیش نیاز را در سالهای پیش از دبستان کسب نکرده فاقد

ایران مساله دوزبانگی و مساله مهاجرت نیز مزید بر علت می شود و بر مسایل دانش آموزان دیرآموز می افزاید.»

ذهنیت منفی طوری است که ممکن است حتی از همان آغاز و معرفی درس در سطح پایین ایجاد شود و اطرافیان زبان آموز یا خانواده که ممکن است به نحوی از درس زبان خاطره بد یا ناخوشایندی داشته باشند این ذهنیت منفی را تشدید کنند.

آغاز دیرهنگام آموزش زبان خارجی

آموزش زبان انگلیسی در کشورمان چندسالی دیرتر از موقع بهینه آغاز زبان آموزی شروع می گردد. به عبارتی دیگر، شروع دوره زبان آموزی از سال دوم راهنمایی چندین سال در واقع دیرتر از دوره بحرانی (critical period) زبان آموزی از دیدگاه زبان شناختی می باشد. این امر به نوبه خود باعث دشواری یادگیری زبان خارجی در زبان آموزان خواهد شد.

این مشکل به گفته «دنی ژیرار» عبارتست از اینکه «... در بسیاری از کشورها ناشی از سنی است (۱۱ تا ۱۲ سالگی) که برای شروع یادگیری انتخاب شده است. به عقیده روانشناسان این سن مصادف است با

پایان مناسبترین دوره برای یادگیری که در طول آن توانایی تقلید در بچه بسیار است...»

این موضوع را روبرگالیسون اینگونه تذکر می دهد: «یکی از دلایل عدم فراگیری زبان در کشورهای متعدد این است که از حدود سن ۱۱ و ۱۲ به بالا را برای آغاز یادگیری و آموزش زبان خارجی در نظر گرفته اند حال آنکه به اعتقاد روانشناسان این سن منطبق با پایان دوره ای است که در طول آن استعداد

کودک نمی تواند کلیه موضوعاتی را که در کلاس درس به او گفته می شود را به خاطر بسپارد. در حالیکه در کشور ما زبان آموزان، انگلیسی را عملاً از ۱۳ سالگی آغاز می کنند یعنی دقیقاً بعد از گذشتن زمان دوره بحرانی زبان آموزی. بعضی از صاحب نظران معتقدند که زبان آموزی حتی باید از دوره دبستان شروع گردد. دکتر یارمحمدی در این باب می گوید «...به هر حال با کمی تساهل و با توجه به اثرات تربیتی چشمگیر زبان و نظر به کافی نبودن شواهد شواهد مختلف، می شود حکم کرد که آموزش زبان خارجی در سنین پایین مثلاً در دبستان هم اشکالی ندارد. منتها آموزش آن مستلزم داشتن معلم خوب و امکانات ویژه است تا نتیجه مطلوب حاصل گردد در صورت وجود امکانات مطلوب می توان آموزش آن را هر چه زودتر شروع کرد. بسیاری از کشورها خیلی زود تعلیم زبان خارجی را شروع می کنند. در تعدادی از ممالک آموزش رسمی بین سنین ۹ تا ۱۲ سالگی آغاز می شود... در کشور ما بعد از سال دوم (راهنمایی) شروع می شود علت امر را نمی دانم و توجیهی که بنده اطلاع داشته باشم ارائه نشده است.»

دشواری ذاتی یادگیری زبان خارجی و ساعات ناکافی تدریس آن

یاددهی زبان خارجی نسبت به زبان مادری و حتی سایر درسها از درجه دشواری بالایی برخوردار است این ادعا در وهله اول ممکن است باورنکردنی بنماید ولی تاملی اندک این قضیه را روشن می کند. اما توجه به مستندات زیر این موضوع را ثابت می کند. دنی ژیرار در این مورد می گوید: معلم زبان بیگانه

دشواری عمده دارد:

۱- او (معلم زبان خارجی) معمولاً ساعات محدودی برای تدریس در اختیار دارد در صورتی که شاگردان در روز ۱۰ یا ۱۲ ساعت در دروسهای دیگر زبان مادریشان را به کار می‌برند. بسیار دشوار است که بتوان با سه چهار ساعت در هفته آن‌ها را به صورت آموزش گروهی - عادت‌های زبانی در شاگرد به وجود آورد و آن‌ها را نشو و نما داد. این کار آنقدر دشوار است که تحقق بخشیدن به آن به معجزه می‌ماند.

۲- نبود انگیزه ژرف در اغلب شاگردان...

۳- در بسیاری از کشورها ناشی از سنی است (۱۱ تا ۱۲ سالگی) که برای شروع یادگیری انتخاب شده است...

۴- آخرین اشکال که کم‌اهمیت‌ترین آن‌ها نیست همان مسئله شناخته شده «تداخل» است وقتی ما زبان بیگانه‌ای را تدریس می‌کنیم باید با عادات متعلق به زبان مادری شاگردان خود که قرباً در آنها ریشه دوانیده است مبارزه کنیم مسئله ما در حقیقت چیزه شدن بر عادات شنوایی و آوایی و حتی ساخت‌های ذهنی شاگرد است ناعادات جدیدی را جانشین آنها کنیم هیچ راه حلی معجزه آسا در این زمینه (اغلب بر مشکلات فوق) وجود ندارد. بنابراین بهتر است که سریعاً امکانات خود را بررسی کنیم.»

بی‌اطلاعی اولیاء

آرامش روانی یکی از عوامل مهم در یادگیری و زبان‌آموزی بهینه که مهمترین عامل در یادگیری و زبان‌آموزی به شمار می‌رود زیرا اگر دانشجو یا دانش‌آموزی با خانواده اش درگیری داشته باشد

از بین برود. آشفتگی روانی باعث خواهد شد که تمرکز فرد در کلاس برای یادگیری هم از میان برود. جیمز فلادوویتراچ سالوس، هم در این مورد معتقدند «یکی دیگر از عوامل دخیل در یادگیری موفق زبان انگلیسی عامل روانی است از میان مسایل مختلفی که در حوزه یادگیری انسان مطرح اند هیچ یک به اندازه یادگیری کلامی حائز اهمیت نیستند.» دیدگاه های نفرات برتر کنکور سالیان متمادی گفته فوق را تایید می کند.

بحث فوق کل قضیه نیست، بلکه عوامل دیگری نیز در این مورد دخیل هستند که به گفته یکی از صاحب نظران «بی نظمی، حجم کار زیاد، وقت کم برای انجام آنها، تداخل چند موضوع فکر مهم همدیگر، فشارهای فراوان جهت کسب موفقیت ها، بی آنکه نیروهای مربوط به آن به طرز صحیحی ارزیابی شده باشد.»

بی برنامهگی، نداشتن اراده ی محکم و استوار، یادآوری شکست ها و عدم موفقیت های کوچک و بزرگ قبلی، نداشتن اعتماد به نفس، عدم استفاده صحیح از عنصری به نام «وقت» معمولاً در دانش آموزان دلشوره، تشویش و نگرانی را دامن می زند که این مشکلات و دلشوره در مورد زبان خارجی که اکثراً خود را با آن بیگانه می دانند بیشتر می باشد و این مشکل کسانی را که زبان خارجی را کمتر درک می کنند و بدان علاقه دارند را در وضعیت سختی قرار می دهد.»

عدم توجه به تخصص

اصولاً منظور از تخصص گرایی این است که کاری، وظیفه ای یا فعالیتی به نحو احسن و به شیوه ای کامل انجام شود تا وظیفه محوله با کاستی و کمبود به پایان نرسد.

دبیرستان کم است و یا کمبود معلم متخصص احساس میشود. کلیه مواد درسی در یک پایه را که معمولاً بیش از ۱۵ ماده درسی هست، بین چهار یا پنج معلم، صرفنظر از تخصص شان، تقسیم می کنند و آنان باید به هر طریق کلیه دروس را تدریس نمایند. بنابراین ممکن است معلمی که رشته تحصیلی اش ادبیات فارسی است زبان انگلیسی و علوم تجربی و علوم اجتماعی هم تدریس کند. البته این مساله تا حدودی در شهرهای بزرگ نیز دیده می شود. بدین منوال سال تحصیلی یا سالهای تحصیلی به پایان می رسد و دانش آموزان که دانشجویان آینده اند با سوادی پایین تر و اطلاعاتی اندتر از درسهای مربوطه فارغ التحصیل می شوند و این داستان همچنان ادامه می یابد. آنکه در این میان متضرر می شود کسانی جز دانش آموزان یا دانشجویان آینده نیستند به گفته داوید پیرا «...متأسفانه در مملکت ماهر کسی کاری ندارد معلم زبان می شود. نتیجتاً اکثر آنان خود قادر به تکلم زبان انگلیسی نیستند. تدریس زبان، خواندن از روی کتاب آن هم با تلفظ نادرست و یا برگردن چند پلی کپی یا نوشتن دیکته سر کلاس و یا دادن چند قاعده گرامری نیست زبان یعنی درست صحبت کردن با تلفظ صحیح و ایجاد ارتباط بین دو یا چند نفر. زبان یعنی نوشتن یک مقاله یا هر مطلب دیگر بدون غلط و یا خط خوانا آموزش زبان، به مدرسین و معلمین خوب نیاز دارد... با معلمین خوب در کشور خودمان می توانیم زبان انگلیسی را به بهترین نحو تدریس کنیم...»

گروه گزارش

درصد افت تحصیلی مواجه است و این معضل سالانه هزار میلیارد ریال زیان در بر می دارد. به گفته این مسئولان، با این مبلغ می توان هزاران شغل جدید در کشور ایجاد و ۱۲ درصد نرخ بیکاری را طی هشت سال برطرف کرد. در گزارش حاضر، سعی ما بر آن است تا با بررسی علل و عوامل اصلی افت تحصیلی در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، راهکارهای اساسی در این بخش را بیان کنیم با هم می خوانیم.

برنامه ریزان آموزشی می گویند: هدف آموزش و پرورش تربیت نیروی انسانی برای دستیابی به اهداف عالی توسعه و رسیدن به تعالی، آرمان ها و شناخت مجهولات و دستیابی به آن سوی معلومات گذشته است به گفته کارشناسان، توسعه علمی با سرمایه گذاری بیشتر و بهتر در مدارس و دانشگاه ها امکان پذیر است. امروزه در کشورهای در حال توسعه اقتدار و انسجام نظام آموزشی از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چرا که مدارس، دانشگاه ها و انسجام علمی با تربیت نیروی انسانی کارآمد می تواند ارزنده ترین خدمات را به جامعه و دولت ارائه دهد؛ اما هنوز تا به امروز نظام آموزشی بیمار کشور نتوانسته است به این سؤال اساسی پاسخی مثبت و درخور توجه بدهد؛ اعمال پاره ای اصلاحات، تغییر زمان آموزش، ترمیم برخی مواد درسی، طراحی جدید شیوه های امتحانی، ایجاد تنوع و گوناگونی در مدارس؛ غیرانتفاعی، نمونه مردمی، پیش دانشگاهی، سالی واحدی، ترمی واحدی و ... چنان وصله های ناجوری را بر پیکره نظام آموزشی کشور چسبانده است که جدا کردن از آن به سادگی امکانپذیر نیست. وجود ۱۰۰ هزار دانش آموز معتاد در کشور و ۱۰ درصد افت تحصیلی سالانه و ۱۰۰ میلیارد تومان ضرر مالی، بیکاری و هزاران دانش آموز فارغ التحصیل دیپلمه نا کارآمد و ... نتیجه ای جز نظام غلط آموزشی

فروریختن آن وجود دارد.

سید حسین شریفی با ۲۰ سال سابقه کار در آموزش و پرورش درباره افت تحصیلی می گوید: مسئولان این همه تغییرات در نظام آموزشی انجام دادند تا به حال چه نتیجه ای گرفته اند؟ به قول خودشان سالانه ۱۰ درصد افت تحصیلی داریم که مطمئناً این مقدار بیشتر از دوبرابر آمار اعلام شده از سوی مسئولان است.

وی تصریح می کند: طراحان نظام آموزشی با چنین برنامه ریزی تیشه به ریشه آموزش و پرورش می زنند در حال حاضر هم دانش آموزان و هم معلمان انگیزه ای کافی برای تحصیل و تدریس ندارند.

وی اضافه می کند: تا کی باید مسئولان با تغییرات این چنینی و سیاستگذاری خلق الساعه در مسائل آموزشی کشور، اشتباه خود را تکرار کنند.

این در حالی است که در تمام دنیا، تدوین یک نظام آموزشی به صورت یک پروژه کلان ملی نگریسته می شود و برنامه ریزی آن بر اساس دوره های بلند مدت طراحی و نوشته می شود. اما این امر در کشور ما کاملاً برعکس است و هر مدیری به اقتضاء پاره ای از مصلحت های سیاسی و ... دست به تغییر نظام

آموزشی می زند که بیش از ۱۹ میلیون دانش آموز را در خود دارد.

وی در ادامه می گوید: از وقتی تصمیمات خلق الساعه و غیرکارشناسی در نظام آموزش و پرورش راه یافت، هر روز شاهد افت تحصیلی در همه مقاطع سه گانه تحصیلی هستیم، دیپلمه های امروزی چیزی برای ارائه ندارند حتی دریغ و افسوس از نوشتن یک نامه اداری چه رسد به اینکه بتوانند همکار و همیار دولت در توسعه اقتصادی و سیاسی باشند.

ساعات آموزشی ما و دیگر کشورها زیاد است از سوی دیگر زمان کوتاه آموزش برای دانش آموزان به هنگام نبودن مطالب آموزشی و معلمان، نظام دار نبودن کتاب ها و عدم تدوین دقیق موضوعات درسی باعث افت تحصیلی دانش آموزان شده است.

این کارشناس در حالی که یکی از عوامل افت تحصیلی را عدم هماهنگی برنامه تنظیم شده با رشد روانشناسی ژنتیکی بچه ها می داند تصریح می کند: در هیچ جای دنیا چنین حجم درسی که بچه های در سطح دبیرستانی می خوانند وجود ندارد. آیا واقعاً برنامه ریزی آموزشی ما غلط است یا بچه های ما باهوش تر از دانش آموزان کشورهای دیگر هستند؟

بنابر استانداردهای جهانی، هر ۴۰۰ دانش آموز باید در ۴ هزار متر مربع زمین آموزش ببینند در حالی که این مقدار در کشور ما به طور متوسط ۲۵۰ تا ۳۰۰ متر مربع است.

به عقیده کارشناسان، معلم توانمند حتی در محیط ضعیف هم، می تواند خلاق باشد و حرکت ایجاد کند و در نتیجه باعث کاهش افت تحصیلی شود.

وجود مدارس دو یا سه نوبته از جمله مشکلات دیگری است که باعث افت تحصیلی دانش آموزان شده است. به گفته معاون عمرانی وزیر آموزش و پرورش، در حال حاضر ۲۲۰ هزار کلاس دو نوبته و متراکم در کشور وجود دارد که بعضاً ۷۰ تا ۸۰ دانش آموز در هر یک از این کلاس ها حضور دارند. وی همچنین با تاکید بر رسیدگی فوری به وضعیت ۳۰۰ هزار کلاس درس استیجاری، در حال تخریب و یا تخلیه، می گوید: سالانه ۸۰۰ هزار نفر به جمعیت دانش آموزی کشور افزوده می شود، این در

است.

عباسی یکی از معلمان مدارس دو نوبته یکی از شهرک های حاشیه ای تهران درباره فضای آموزشی و افت تحصیلی می گوید: تعداد دانش آموز در کلاس من به طور متوسط ۴۵ تا ۵۵ نفر است در چنین کلاسی نقش ما بیشتر نظم و آرام کردن کلاس است تا تدریس و بالا بردن سطح علمی دانش آموزان.

وی ادامه می دهد: افت تحصیلی در مدارس ما بسیار بالا است و بعضاً نزدیک به ۵۰ درصد از دانش آموزان در طول یک ترم از چند درس نمره مردودی می گیرند. در این بین، خانواده ها هم با اطلاع از وضع موجود، انتظاری جز نگهداری بچه هایشان در مکانی امن و به دور از هیاهو و ناهنجاریهای اجتماعی شهرک ها از معلمان و اولیای مدارس ندارند.

یکی دیگر از معلمان در این باره می گوید: افت تحصیلی این دانش آموزان بیشتر باز می گردد به ضعف دانش آموزان در پایه های دوره ابتدایی؛ چرا که این دانش آموزان در دوره ابتدایی در مدارس سه نوبته با تراکم ۵۰ تا ۶۹ دانش آموز درس خواندند که کل ساعات درس آنها در یک روز به ۲ ساعت هم نمی رسید.

وی اضافه می کند: معمولاً از میان همه فارغ التحصیلان دوره متوسطه این مدارس به تعداد انگشت شماری به دانشگاه های دولتی و غیردولتی راه می یابند و بیش از ۹۰ درصد از آنها چاره ای ندارند جز اینکه به خیل عظیم بیکاران پیوندند.

آمار نشان می دهد که تنها در طول سال تحصیلی ۷۵-۱۳۷۴ حدود ۵۰ هزار ترک تحصیل در کشور رخ داده است. بر اساس همین آمار، در این سال بیش از ۶۵ درصد دختران دانش آموز روستایی و حدود ۳۵

۱۳۷۱ تنها در مقطع راهنمایی از بین سه میلیون و ۵۴۱ هزار دانش آموز، بیش از ۶۹۰ هزار و ۶۰۰ نفر مردود شده اند. که این امر هزینه قابل توجهی را به گردن آموزش و پرورش و دولت بر جای گذاشته است.

به گفته معاون آموزش عمومی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران؛ حدود ۵ درصد دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی و ۳۹ درصد دانش آموزان پایه سوم راهنمایی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸ تجدید شدند.

مشکل ترک تحصیل

بررسی های انجام شده نشان می دهد که پدیده افت تحصیلی در کشور ما در مقیاس وسیعی خودش را نشان می دهد و هر سال، ترک تحصیل زودرس و افت کیفیت تحصیل به شکل های گوناگون افزایش می یابد که این امر باعث به هدر رفتن بخش زیادی از منابع مالی و انسانی جامعه می شود. به گفته کارشناسان، این امر در کوتاه مدت ممکن است تنها، تلفات محدود مالی را به همراه داشته باشد. ولی برخی از نمودهای آن در قالب ترک تحصیل سبب ایجاد بسیاری از نابسامانی های اجتماعی و اخلاقی جلوه خواهد کرد.

حسین افشار کارشناس برنامه ریزی آموزش بر این باور است: وقتی دانش آموزی بنا به دلایلی از مدرسه فاصله بگیرد و وارد اجتماع شود، چنانچه زمینه های مثبت برای حزب او فراهم نشود این دانش آموزان خواه ناخواه به دنبال آسیب هایی خواهد رفت که اولین مرحله آن انحراف و اعتیاد است.

تحصیل و یافتن کیفیت تحصیل دانش آموزان می شود.

این کارشناس، دوره بحرانی بلوغ و عدم توجه والدین به مسائل مربوط به این دوره، تغییرات فیزیولوژیکی و رفتاری نوجوانان، حرکت به سوی هویت‌هایی و استقلال و نیز، خودنمایی را از جمله عوامل در بروز افت تحصیلی دانش آموزان عنوان می کند و اضافه می کند: تفاوت دانش آموزان در قدرت یادگیری، عدم علاقه و آگاهی از روش مطالعه، ضعف پایه دوره ابتدایی، عدم آگاهی معلمان از روش‌های نوین تدریس و ... از عوامل دیگر در بروز افت تحصیل و در نتیجه ترک تحصیل دانش آموزان در دوره راهنمایی، به خصوص دوره متوسطه، است.

در راستای مقاله‌ی «نمودارهای آموزشی» که توسط آقای محمد رضا میاشرفی، در شماره ۶۳ مجله روش به علل افت تحصیلی دانش آموزان طی تحقیقی پرداخته شده بود، تصمیم گرفتیم تا مطالبی را در زمینه افت تحصیلی دانشجویان (عمدتاً دانشگاه آزاد) که حاصل دست‌آوردهای چندین سال تدریس در دانشگاه‌های آزاد مختلف کشور و سایر مراکز آموزشی مشابه می باشد هر چند با شعاع عملیاتی اندک به اطلاع خوانندگان علاقه‌مند برسانیم.

آنچه در این زمینه مطالعه خواهیم کرد چکیده‌ای است از درد دل صمیمانه و صادقانه صدها دانشجو.

بررسی علل افت تحصیلی دانشجویان

چهره‌های علاقه‌مندی را که از مطالب ارائه شده استقبال نموده و مرا به استمرار و بیان مطالب جانبی و کاربردهای آن ترغیب نمایند، کمتر می بینم و گاه چنین چهره‌هایی را اصلاً نمی یابم؛ برخی خواب‌آلود، خسته و فرسوده از کار روزانه، برخی چنان در وادی تفکر غوطه‌ور که نه انگار کلاسی یا درسی

صورت پراکنده در اطراف مطالب ارائه شده پرسه می زنند و هنوز زمان قانونی کلاس پر نشده با نوای دلنشین (دانشجویان) «خسته نباشید» از گوشه و کنار کلاس روبه رو می شوم، بهتر است بگویم می شویم.

این صحنه ها با اندک تغییراتی همه روزه در کلاس های مختلف تکرار می شود مشکل کار چیست؟ چرا دانشجویان اینقدر به کلاس و درس بی علاقه اند؟ اگر علاقه ای در کار نیست پس چرا به این سمت و سو کشیده شده اند؟

آیا به آنچه که علاقه مندند دسترسی ندارند یا نمی یابند؟ اما در لابه لای بررسی های موردی به عمل آمده گاه در مورد برخی ها با خلاف این قضیه روبه رو می شویم پس انگیزه اصلی چیست که دانشجو را از آنچه علاقه مند و در دسترس است به سوی چیزی که بنابه اظهار خود یک قالب ظاهری تو خالی است هدایت می کند؟ آیا آنچه عامل اصلی و محرک قضیه است از بستری منطقی و سالم برخوردار نیست با زائیده تفکراتی بی مفهوم و نشأت گرفته از وضعیت موجود و حاکم بر جامعه است؟ چرا چنین است؟ بررسی وضعیت پیش آمده شناسایی علل اصلی و فرعی و اقدام به اصلاح آن بر عهده چه کسانی، چه ارگان یا سازمانی است؟ صرف نظر از مسئولیت قانونی این وظیفه ملی همه ماست که در حد توان خود حداقل سعی کنیم از پیشرفت آن جلوگیری نماییم و در صورت امکان به شناسایی علل ریشه ای آن پردازیم و با انتقال یافته های خود مسئولان را در امر اصلاح و پیشگیری از ادامه وضعیت فوق یاری نموده و سطح آگاهی هموطنان را بالا ببریم.

مطالعه ان نگذشته بود، ولی چنان فکرم را به خود مشغول نموده بود که هر لحظه به خود می آمدم خویشتن را غرق در مطالب آن می یافتم. به خود می گفتم پس همه جا وضع به همین شکل است دانشگاه های تهران نیز که علی رغم امتیاز مرکزیت، نسبت به مراکز استان ها و یا شهرستان ها در درجه ای بالاتر قرار دارند باز با همین مشکل روبه رو هستند. دلایل ارائه شده در مقاله مذکور از آنچه که در طول سالیان دراز به دست آورده ام، متفاوت است گرچه در اندک مواردی تشابهاتی وجود دارد. البته وجود تفاوت های عینی در مراکز مختلف امری طبیعی است ولی آنچه ذهن مرا به خود معطوف نموده مواردی است که اصلاً در مقاله فوق به ان اشاره ای نشده بود و من پیش خود فکر می کردم که موارد فوق می تواند از دیگر علل افت تحصیلی در سطح دانشگاه های کشور باشد و درست به همین دلیل بود که تصمیم گرفتم نتایج به دست آمده در بررسی های اجمالی خود را به اطلاع علاقه مندان برسانم. به دلیل ترافیک مسیر اندکی دیر کرده بودم، وارد کلاس شدم اولین حرفی که شنیدم بیشتر از آنچه انتظار داشتم مأیوسم کرد:

- ما فکر کردیم که دیگر نمی آید، به همین خاطر داشتیم کلاس را ترک می کردیم.

- مگر موارد مشابهی دیده شده که چنین می کردید ثانیاً می توانستید از دفتر آموزش سؤال کنید.

با توجه به ضمیر قبلی، موضوع با دانشجویان در میان گذاشتم درددل ها باز شد. ضمن شنیدن مطالبی مشابه آنچه که بارها شنیده بودم مواردی چند نیز به اطلاعات قبلی ام اضافه شد. گوشه ای از این گفت و شنود ها به شرح زیر بود:

- برای تحصیل کرده ها ارزش قائل نیستند.

- امیدی برای آینده نیست، بسیاری از فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکارند.

...-

خیلی خوب ... اگر چنین است پس چرا ادامه تحصیل می دهید؟

- چاره ای نداریم برای کار در بیرون سرمایه لازم است با سرمایه های اندک هم نمی شود کاری کرد.

- امروزه برای دیپلمه ها کار پیدا نمی شود.

- اصلا دیپلمه ها بیسواد تلقی می شوند. لاقبل با لیسانس می توان تقاضای کار نمود.

...-

وقتی این راه را انتخاب کردید پس چرا درس نمی خوانید؟ چرا همه اش دنبال نمره هستید و

می خواهید به شما نمره بدهند و خودتان سعی نمی کنید آن را کسب کنید؟ همه اش دنبال این هستید

که درس کمتری گفته شود استاد نیاید و کلاس تعطیل شود دروس مشکل و پیچیده گفته نشود و یا از

امتحان حذف شود؟ در جلسات اولیه صحبت از نحوه امتحان نوع سئوالات و آسان بودن آن به پیش

کشیده می شود و برخی مطالب دیگر که شاید بازگو کردن آن علی رغم اطلاع همکاران چندان مناسب

نباشد.

- دلیلش خیلی واضح است، اهمیتی برای دانستن یا ندانستن نمی دهند.

- دانش و اطلاعات ملاک و معیار نیست، فقط مدرک کافی است.

- این طور هم نیست البته مدرک شرط لازم می باشد ولی کافی نیست.

جلسات مختلف بیان شده جمع بندی شده است.

معمولاً پس از خاتمه کلاس تعدادی از دانشجویان برای پرسش های خصوصی که به دلیلی نتوانسته اند در سر کلاس مطرح کنند اطرافم را می گیرند. سئوالات برخی به قدری ساده است که فکر می کنم به علت احتمال تحقیر از سوی دیگران خجالت کشیده اند تا سر کلاس مطرح نمایند تعدادی نیز سئوالاتی است که علی رغم توضیحات مکرر در کلاس باز برایشان مفهوم نشده است ولی عکس العمل سریع آنها در تفهیم موضوع فکرشان در جای دیگری پرسه می زده است. سئوالات بنیادی و ریشه ای که بیانگر عمق تفکر و تعقل دانشجو در موضوع باشد کمتر مطرح می گردد. گاهی حس می کنم

دانشجویی علی رغم پرسش های مکرر و متنوع (که برخی چنان پیچیده است که خود نمی داند چه می پرسد) ، سئوالات درس را بهانه ای قرار داده است برای پرسش های دیگر فضا را برایش بازتر می کنم تا راحت تر بتواند آنچه را در دل دارد مطرح نماید. بالاخره پس از چندی این در و آن در زدن و درخواست پوزش از اینکه وقتم را می گیرد درددلش باز می شود:

- ببخشید... این همه توصیه برای درس خواندن می کنید آیا واقعاً پس از اتمام نتایج آن را خواهیم دید؟

- نباید ناامید و بدبین بود. اصولاً فقط برای کسب درآمد نیست حداقل اطلاعاتتان را بالا می برید.

- افزایش اطلاعات را می پذیریم ولی کمتر کسی را می توان یافت که انگیزه اصلی اش از تحصیل

افزایش دانش و اطلاعات باشد. دانشجویان عمیقاً به دنبال کسب موقعیت خوب اجتماعی و درآمد

مناسب هستند و چون نمی توانند آینده ای روشن برای خود ترسیم کنند لذا یک نوع بی میلی

به خود گرفته و شرایطی را پیش می آورد که خودتان بهتر از ما لمس می کنید.

- وضعیت که همیشه به همین منوال باقی نمی ماند و انسان باید همیشه امیدوار باشد. ضمناً در هر شرایطی تحصیل کرده ها یک سر و گردن از دیگران برترند.

- البته اگر مسائل اقتصادی در بین نباشد، این حرف شما درست است ولی وقتی مساله پول و کسب درآمد مطرح است این حرف ها شعاری بیش نیست شغل آزاد بهتر از تحصیل است. هم مشکلات دانشجویی را ندارد و هم دارای درآمد بیشتری است. بسیاری از دوستان ما پس از فارغ التحصیل شدن به شغل آزاد روی آورده اند آیا بهتر نیست ما از این نقطه آغاز کنیم؟ در این صورت زمان هدر رفته ای نیز نخواهیم داشت...

از این گفت و گوهای اختصاصی بعد از کلاس بسیار اتفاق می افتد که همه حاکی از یاس و ناامیدی از آینده است. بسیاری دانشجویانی که به من مراجعه کرده و درباره ادامه تحصیل یا رفتن به سوی بازار آزاد مشورت می نمایند.

در بین اینها کسانی هستند که شغل آزاد و درآمد مناسبی دارند با پوزش طلبیدن میزان درآمد پس از فارغ التحصیلی در دوره های لیسانس و فوق لیسانس را پرس و جو می کنند تا معیاری داشته باشند. برای مقایسه ادامه تحصیل یا ادامه شغل آزاد.

نتایج این همه گفت و گو، بحث ها، مشورت ها و درد دل کردن ها چیست؟ آیا می توان از لابه لای این مباحث به تعدادی عوامل اصلی بازدارنده یا افت تحصیلی پی برد؟ در صورتی که عوامل مؤثر بر موضوع مورد بحث به خوبی شناسایی شده و اقدامات اصلاحی لازم برای مرتفع نمودن آنها (اگرچه

یافتنی خواهد بود. به نظر می رسد اگر چنانچه این بررسی به صورت نظام مند انجام گیرد شناسایی عوامل نیز صحیح تر، سهل تر و منطقی تر خواهد بود.

به همین منظور، سه مرحله مجزا را به شرح زیر برای بررسی در نظر گرفته ایم:

انگیزه های ورود به دانشگاه

امروزه ادامه تحصیل پس از اخذ دیپلم یک حالت عادی به شمار می آید. شاید اگر به دهه های قبل برگردیم بیشترین فارغ التحصیلی را در مقطع دیپلم می یافتیم و فقط تعداد اندکی ادامه آن را در دانشگاه ها در پیش می گرفتند، ولی با گذشت زمان و پیشرفت فناوری، بالارفتن سطح زندگی و آگاهی های عمومی، تغییر فرهنگ و غیره مقطع دیپلم دیگر مرزی برای جدایی از تحصیل و ورود به بازار کار به شمار نمی آید، بلکه ادامه آن در دانشگاه ها امری عادی و غالباً ضروری به حساب می آید.

شاید بتوان یکی از دلایل به وجود آمدن دانشگاه های غیردولتی و بازشدن شاخه دانشگاهی در سازمان هایی نظیر سازمان مدیریت صنعتی و مدیریت دولتی و غیره را همین موضوع نسبت داد.

شرایط زمانی دانشگاه آزاد و سازمان های مدیریت دولتی و صنعتی از نظر تشکیل کلاس های درسی که عمدتاً از ساعت ۳ بعد از ظهر به بعد شروع می شوند، امکاناتی را فراهم آورد تا شاغلان سازمان ها، اداره ها و کارخانه ها نیز بدون توجه به موقعیت شغلی، مقطع سنی و وضعیت اقتصادی و ... به سوی این مراکز گسیل شده و تحصیلات خود را هر چند نامطلوب ادامه دهند. گرایش شاغلان به سمت دانشگاه زمانی شدت گرفت که نتایج فارغ التحصیلی دوره های اول بر روی موقعیت شغلی و دریافتی آنان منعکس شد. بی شک اگر آماری دقیق از افت تحصیلی این مراکز (عمدتاً دانشگاه آزاد) و ترکیب دانشجویی آن تهیه

ی دانشجویان غیر شاغل افت تحصیلی وجود ندارد. حال با این توضیحات انگیزه های ورود به دانشگاه را می توان در دو گروه شاغلان و غیر شاغلان به صورت جداگانه بررسی نمود:

الف - شاغلان:

آنچه از گفته صدها دانشجوی شاغل که عمدتاً در سنین میانسالی می باشند استنباط می شود این است که انگیزه اصلی آنها ارتقای درجه کارمندی به کارشناسی و دستیابی به موقعیت بهتر سازمانی و کسب درآمد بیشتر می باشد. واضح است که با توجه به چنین انگیزه ای و شرایط سنی از یک طرف، موقعیت اجتماعی، مشغولیت کاری و در نتیجه عدم وجود فرصت کافی برای مطالعه و همچنین مشکلات اقتصادی و گرفتاری های خانوادگی از طرف دیگر داشتن انتظاری در سطح مطلوب یا مناسب حال، انتظاری نامعقول است و برای بهبود درجه تحصیلی می بایست شرایط اشاره شده در بالا را بهبود داد.

ب - غیر شاغلان:

مشکلات رده غیر شاغلان به جز مواردی اندک (شاید آن هم به صورت غیر مستقیم) از آنچه در مورد شاغلان بیان شد، کاملاً متفاوت می باشد. گرچه اکثر دانشجویان غیر شاغل در سنینی مناسب برای ادامه تحصیل هستند ولی آنها نیز مشکلات شرایط سنی خود را دارند اگر اظهار نظرهای پراکنده صدها دانشجوی غیر شاغل را در این زمینه جمع بندی کنیم، می توانیم چنین نتیجه بگیریم:

اکثریت این گروه از دانشجویان علاقه مند به ادامه تحصیل هستند ولی درصد قابل توجهی از این افراد نتوانسته اند در رشته مورد علاقه خود قرار گیرند بنابراین علی رغم توانایی لازم برای کسب دانش یک نوع بی میلی ناخود آگاه همواره به عنوان یک عامل بازدارنده عمل می کند.

شاغلان از شرایط کاری، ناسازگاری در آمدهای کارمندی با هزینه های زندگی و عواملی مانند آنها، یک نوع یاس و ناامیدی (عامل بازدارنده) در دانشجویان ایجاد نموده و آنان را نسبت به درس و مطالعه بی میل می نماید. در نتیجه سطح تحصیلی علی رغم میل باطنی، از حد مورد انتظار پایین آمده و افت پیدا می کند.

نا گفته پیداست که مشکلات دیگری نظیر مشکلات فردی و خانوادگی نیز کم و بیش وجود خواهند داشت که اگر بر روی مشکلات قبلی افزوده شود، شدت عمل دوچندان خواهد شد.

... مسائل و مشکلات حین تحصیل صرف نظر از اندک تفاوت هایی که می تواند برای دانشجویان شاغل و غیرشاغل وجود داشته باشد، مسائل و مشکلات عمده دانشجویان را حین تحصیل می توان به شرح زیر دانست:

- تشکیل کلاس ها در بعد از ظهرها به دلیل خستگی مفرط ناشی از کارهای شخصی یا اداری و عدم آمادگی مناسب ذهنی برای دریافت مطالب باعث می شود که درک و تفهیم موضوعات درسی به سختی صورت گرفته و نهایتاً منجر به کاهش درجه یادگیری می شود.

- چهره های خواب آلود و افسرده، ناهماهنگی در حضور به موقع دانشجویان در کلاس، ترکیب نامتناسب دانشجویان از نظر سنی، شغلی، درجه یادگیری و بهره هوشی و ... فضایی را به وجود می آورد که نه ارائه مطالب در حد مورد انتظار صورت می گیرد و نه جذب آن از سوی دانشجویان.

- عدم وجود کادر مجرب و دائمی هیأت علمی برای هر یک از رشته ها (شاید به دلیل کاهش هزینه ها) موجب استفاده از مدرسین پاره وقت حق التدریس شده و شرایطی فراهم می آورد که امکان اعمال

تدریس مدرسین، یک دگرگونی شدید در شیونه ارائه مطالب و گاه سرفصل ها به وجود می آورد که نمی توان گفت تأثیر آن بر افت تحصیلی کمتر از بندهای قبلی می باشد.

- گرانی کتاب، کمیابی برخی از کتاب ها و در نتیجه عدم تامین کامل آنها از سوی دانشجویان کمبود منابع جدید فارسی و بها ندادن به ترجمه منابع جدید موجب دسترسی ناقص و ضعیف دانشجویان به منابع درسی شده و بر روی کسب تحصیل آنان تأثیر منفی می گذارد.

مشکلات بعد از فارغ التحصیلی

- بیکاری فارغ التحصیلان و ترس از روند افزایشی آن حتی از مرحله قبل از ورود به دانشگاه، در جوانان ایجاد یک نوع یاس و ناامیدی می نماید که بی شک روی انگیزه آنان برای تحصیل علم و دانش مؤثر خواهد بود. از این رو دانشجویان دائماً نسبت به وضعیت آینده خود در حال نگرانی و تنش به سر می برند. واضح است که تنش و اضطراب به عنوان یکی از عوامل مهم بازدارنده عمل خواهد کرد و تا زمانی که منابع نگرانی از بین نرود نمی توان انتظار معقولی از آنان داشت.

- بی توجهی به میزان تحصیلات رشته تحصیلی و همچنین توانایی های علمی و عملی در برخی انتخابات سازمانی آن هم با در نظر گرفتن یکسان بودن سایر شرایط منطقی، الگوی نامناسبی را برای کارکنان و دانشجویان در حال تحصیل به تصویر کشیده و آنان را از آینده ای نامطلوب می هراساند. در نتیجه میل و رغبت آنان را برای کسب علم و دانش هرچه بیشتر و بهتر، کمرنگ تر می نماید.

البته هرگز نمی توان ادعا نمود همه عوامل مؤثر در افت تحصیلی فقط موارد اشاره شده می باشد. چه بسا خود این عوامل در مکان های مختلف آموزشی به صورت های متفاوت جلوه نموده و شاید برخی از

داشته باشد، ولی با توجه به شرایط مساوی حاکم بر جامعه و عمومیت داشتن عوامل یاد شده، می توان آنچه را که از بررسی اجمالی و تجربیات طولانی در مراکز آموزشی مختلف به دست آمده است، به عنوان عوامل اصلی بازدارنده یا افت تحصیلی دانست.

تجلیات هیجان، تجلیات کلامی و غیر کلامی است // هوش هیجانی با اکتساب و تحصیل افزایش می یابد.

دکتر سید محسن فاطمی - مدرس دانشگاه British Colombia و دکترای آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه British Colombia در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران به تشریح هوش هیجانی پرداخت.

به گزارش خبرنگار گروه دانشگاهی "مهر"، دکتر سید محسن فاطمی در نشست که با موضوع هوش هیجانی و تقویت کارایی در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران برگزار شد، هوش هیجانی را دارای حداقل 4 مولفه دانست و گفت: اولین مولفه هوش هیجانی، آگاهی هیجانی است. هیجان‌ات طیف وسیع و گسترده ای دارند. شادی، نور و شغف هیجان‌ات مثبت و ترس و اضطراب از هیجان‌ات منفی هستند. منظور از آگاهی هیجانی این است که تا چه اندازه هیجان‌ات خود را می شناسیم و اینکه بدانیم

در شرایط مختلف آنچه بر ما حاکم است چیست.

وی با اشاره به اینکه آگاهی هیجانی از مهمترین مولفه های هوش هیجانی است افزود:

آگاهی هیجانی یکی از ابعادش این است که مثلاً علی رغم اینکه (مثلاً در یک جلسه کاری) خشمگین می شویم اما چون بر نقش خود و منافع ملی و سازمانی خود واقفیم آگاهانه و هوشیارانه عمل می کنیم.

طریق کلامی، ۳۸ درصد با لحن و صدا و ۵۵ درصد با ژست، حالت و غیره برقرار می شود.

وی افزود: آگاهی هیجانی یعنی تجلیات و مصادیق هیجان را در کلام و غیر کلام تشخیص دهیم. اگر تجلیات کلامی همراه با حالت های مکمل از لحاظ لحن و تن صدا باشد و از لحاظ دیداری و تصویری ژست مناسب با آن ارائه شود پیام به بهترین وجه منتقل می شود و اگر اختلاف بین عامل کلامی و غیر کلامی باشد عامل غیر کلامی برتری خواهد جست.

فاطمی با بیان اینکه دومین مولفه از هوش هیجانی بیان خوب هیجانات است، افزود: یکی از محققینی که بر روی این مسئله کار کرده از افراد می خواهد که روزی ۱۵ تا ۲۰ دقیقه راجع به سخت ترین آسیب ها و ناراحتی هایی که با آن برخورد کرده اند بنویسند. این امر باعث می شود که فرد از جنبه های سلامتی سیستم ایمنی بدنش بهتر برخورد کند ناراحتیهای درونی اش کاهش یابد و مراجعات مکرر کمتری به پزشک از نظر بیماری های روانی داشته باشد.